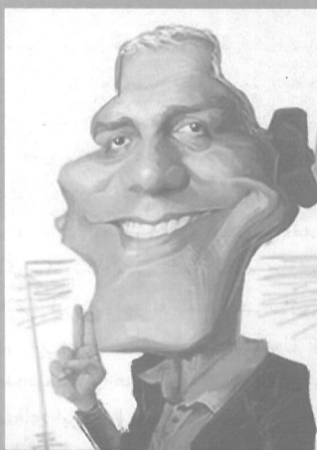


در این شماره می خوانید

حاشیه در حاشیه



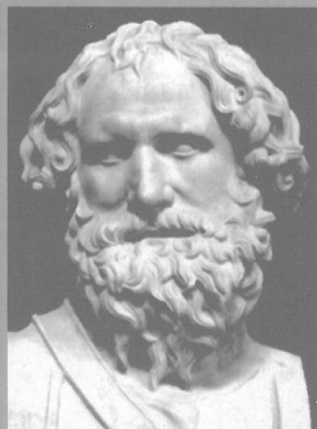
صفحه ۲

دلواپسی تان مستدام



صفحه ۲

چرا سیستم های اصل موضوعه مهم اند؟



صفحه ۷

خوشا به حالت ای روستایی



صفحه ۷

آغاز به کار انجمن اسلامی  
دانشجویان نواندیش



انجمن اسلامی  
دانشجویان نواندیش  
دانشگاه فردوسی مشهد

نگاه ویژه:

# فرجام برجام

میزگرد دانشجویی پیرامون سرنوشت پرونده هسته ای ایران



## فرجام برجام

میزگرد دانشجویی پیرامون سرنوشت پرونده هسته ای ایران

حسین محمد دوست

کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی ۹۰

به جای مقدمه: «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) شاید آخرین پرده از نمایش طولانی پرونده هسته ای کشورمان باشد. شاید هم نباشد!

پس از روی کار آمدن دولت حسن روحانی، امیدها به حل و فصل پرونده هسته ای در میان مردم افزایش یافت. امروز بعد از بیانیه لوزان سوئیس، ۹۶.۳ درصد مردم از عملکرد تیم مذاکره کننده هسته ای رضایت دارند و ۸۲.۶ درصد مردم از شنیدن خبر تفاهم هسته ای، احساس خوشحالی، آرامش و امید کرده اند. امیدی که نخچیان علم روابط بین الملل نیز بر آن صحنه گذاشته اند. با نستی ۷ به ۱،

اکثریت محققان روابط بین الملل بر این باور هستند که توافق اخیر تأثیری مثبت بر ثبات در منطقه (خاورمیانه) خواهد داشت. با این وجود، ماراتن هنوز ادامه دارد. «سرنوشت پرونده هسته ای» با محوریت بیانیه لوزان سوئیس، موضوعی بود که آن را با چهار دانشجوی فعال سیاسی، در میان گذاشتیم. چهار نفر با دو گرایش سیاسی مختلف: امید ادیب (دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا)، علی کامیار (دانشجوی ارشد کامپیوتر) در قامت اصولگرا و قاسم شهریاری (دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی)، محمد صابریان (دانشجوی کارشناسی شیمی) که اصلاح طلبان میزگرد بودند. البته میان اصلاح طلبان و اصولگرایان نیز کم اختلاف نظر وجود نداشت که جالب توجه بود.

مباحث خوبی در گرفت، هرچند حرف های غیرقابل چایی نیز گفته شد. تا آنجا که توانستیم آنها را چاپ کردیم! بر آن بودیم تا در این میزگرد از زوایای مختلف، قضیه هسته ای را حلاجی کنیم، لذا از تاریخچه جدل هسته ای ایران که از حدود ۱۳ سال پیش در دولت اصلاحات کلید خورده بود آغاز کردیم. سپس بیانیه لوزان سوئیس را از حیث حقوقی و سیاسی به بحث گذاشتیم و سرانجام از شرکت کنندگان در مناظره پیرامون آثار اقتصادی و سیاسی توافق نهایی احتمالی سوال کردیم.

لازم به توضیح است که طبق رویه جاری در نشریات، «وقایع اتفاقیه» در قبال سندیست گفتار شرکت کنندگان در میزگرد، مسئولیتی بر عهده ندارد.

## تعلیق سفر حج و حاشیه هایش

دقایقی پس از انتشار تصمیم دولت مبنی بر تعلیق سفر حج عمره، این خبر به تیر اول بسیاری از رسانه‌ها و مطبوعات غربی تبدیل شد. در همین راستا روزنامه گاردین در گزارشی با اشاره به تعلیق سفر حج عمره از سوی ایران نوشت: با اوج گیری تنش‌ها میان دو کشور تصمیمی مبنی بر تعلیق سفر حج عمره از سوی دولت ایران گرفته شد. نزدیک به ۵۰۰ هزار ایرانی سالانه برای انجام سفر عمره به عربستان سعودی می‌روند.

همچنین خبرگزاری رویترز در گزارشی با اشاره به تعلیق سفر حج عمره از سوی ایران در اعتراض به تعرض به دو نوجوان ایرانی از سوی ۲ نیروی پلیس عربستان سعودی نوشت: این اقدام باعث تعمیق تنش‌ها میان دو کشور شده است، چند روز گذشته چند صد نفر از مردم ایران در اعتراض به این امر در مقابل سفارت عربستان سعودی جمع شدند که این اعتراض به صورت خودجوش بوده است. همچنین پایگاه خبری اینترنشنال بیزینس تایمز با اشاره به تعلیق سفر حج عمره از سوی ایران نوشت: طی دو روز گذشته صدها نفر از مردم ایران در مقابل سفارت این کشور در تهران گرد هم آمدند و خواستار بسته شدن این سفارت خانه شدند. از طرف دیگر پیام‌هایی در شبکه‌های اجتماعی در حال دست به دست شدن است که اکثر آنها دارای محتوای نامناسب و غیرعقلانی است و حکایت از آن دارد که نویسندگان آن، بی اطلاع از مسائل مختلف، تنها به تخلیه روحی و روانی خود مشغولند و یا آنکه آمدنانه، بر طبل اختلافات می‌کوبند. در این متون که در گروه‌های مختلف در وایبر و فیسبوک و امثالهم انتشار پیدا می‌کند به جای انتقاد از رفتار حکومتی که سرزمین عربستان را اداره می‌کند و وظیفه حراست از دو مسجد مقدس و زائرین آن را برعهده دارد، بعضا به نژاد عرب بدگویی می‌کنند و دشنام‌های فراوان نثار آن‌ها می‌نمایند.



## گام آخر؟! ر!

### یادداشت تحلیلی پیرامون حاشیه‌های بیانیه لوزان

تاکید دارند و همه موارد فوق در حالی است که در صورت عدم رسیدن به توافق نهایی، ایران چیزی را از دست نداده است و به روند عادی غنی‌سازی خود ادامه خواهد داد.

جمهوری اسلامی ایران با پذیرفتن چنین محدودیت‌هایی به جامعه جهانی اطمینان داده که به دنبال برنامه هسته ای صلح آمیز است و حال نوبت غرب است که به وعده‌هایی که داده عمل کند.

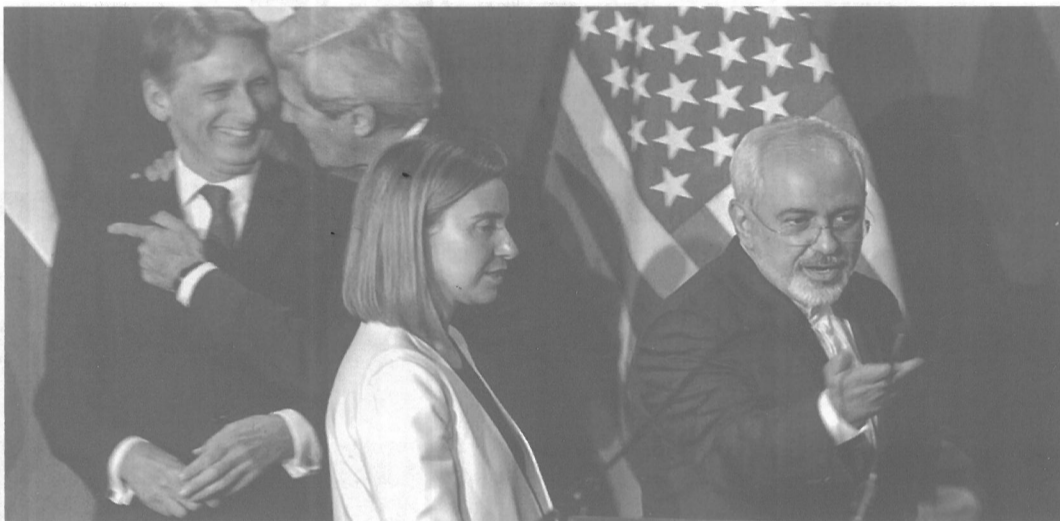
دیگر دستاورد بزرگی که بیانیه لوزان برای ایران داشت، به رسمیت شناخته شدن حق غنی‌سازی است که البته سنگ بنای آن در مذاکرات قبلی در ژنو گذاشته شد.

فارغ از همه نکات گفته شده، مذاکرات لوزان و بیانیه صادر شده، یک دستاورد معنوی بزرگ برای ایران به شمار می‌رود. این که توانستیم با قدرت، منطق و تدبیر مقابل شش قدرت بزرگ دنیا بایستیم و عزت و حقوق خود را در برابر زیاده‌خواهی آنان حفظ کنیم، پیروزی بزرگی برای ما محسوب می‌شود.

ایجاد شکاف میان «آمریکا-رژیم صهیونیستی»، «دولت آمریکا-کنگره آمریکا» «آمریکا-اروپا» و «آمریکا-دولت‌های عربی» دستاورد دیگری است که نباید از آن غافل شد.

شاید از این منظر بتوان لوزان را دروازه ورود ایران به جامعه جهانی و قرار گرفتن در جمع قدرت‌های بزرگ دنیا دانست.

به هر حال امیدواریم توافق احتمالی که ظرف سه ماه آینده منعقد خواهد شد، یک «برد-برد» واقعی برای همه دنیا باشد!



گروهی از منتقدان نیز با تاکید بر بی‌اعتمادی به غرب، رسیدن به بیانیه‌ای این چنینی را کاملا بیهود تلقی می‌کنند و بیانیه لوزان را بی‌فایده می‌دانند. این گروه معتقدند از آنجایی که غرب به موارد تفاهمی عمل نخواهد کرد، پس اعتماد به آنها و نگارش بیانیه مذکور اشتباه و به ضرر طرف ایرانی است. درحالی که با تنظیم این بیانیه، کوچکترین سودی که حاصل می‌شود، این خواهد بود که اگر طرف غربی به موارد ذکر شده در تفاهم عمل نکند، به طور واضح به دنیا و بالاخص ملت ایران ثابت خواهد شد که طرف غربی قابل اعتماد نیست. یعنی همانی که منتقدان بدان

برنامه هسته‌ای ایران اعمال خواهد کرد. محدودیتی که در روند چرخه پیشرفت فناوری هسته‌ای کشور در طول دوره توافق، خللی ایجاد نخواهد کرد. در داخل نیز منتقدان بعضا لجوج با بیان اینکه داده‌ها و ستانده‌ها در این تفاهم نابرابر و به سود غربی‌ها است، سعی در تخریب روند توافق نهایی دارند.

درست است که در متن بیانیه، چندین بند در مورد محدودیت‌هایی است که بر مراکز هسته‌ای مختلف ایران اعمال خواهد شد و در مقابل تنها در یک بند به لغو تحریم‌ها اشاره شده، اما این تحریم‌ها به قدری گسترده بوده‌اند که لغو آنها ستانده خوبی در قبال داده‌های چندبندی جمهوری اسلامی به‌غرب باشد.

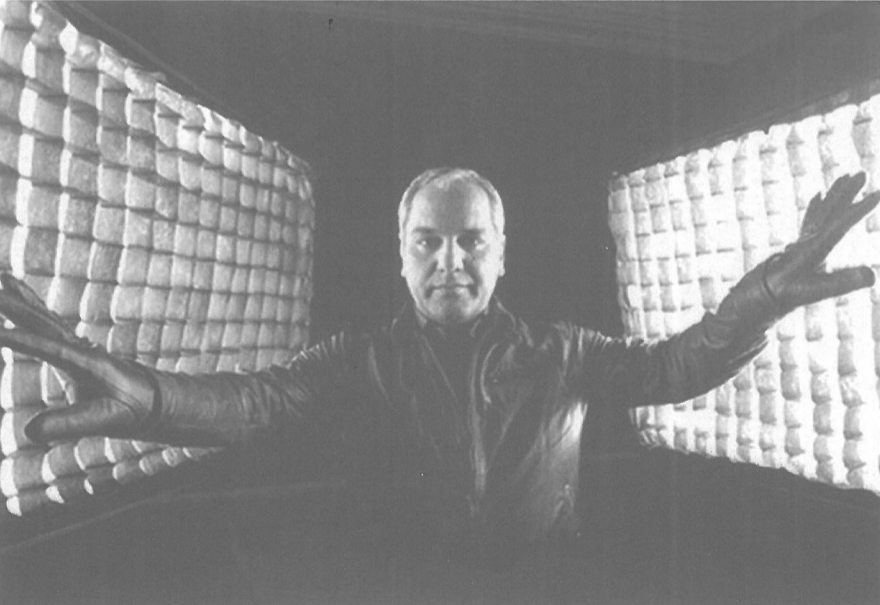
فرهاد فرهادیان  
کارشناسی عمران ۹۰



در روزهای میانی فروردین ۹۴ چشم میلیون‌ها ایرانی به صفحه تلویزیون دوخته شده بود تا شاهد یکی از تاریخی‌ترین لحظات در تاریخ سیاسی ایران باشد! کوچک و بزرگ، پیر و جوان همه از توافقی احتمالی در لوزان سوئیس حرف می‌زدند! توافق اما صورت نگرفت بلکه تفاهمی برای توافق به دست آمد. تفاهمی که در آخرین ساعات سیزدهم فروردین ماه در قالب بیانیه‌ای ایراد شد، موجی از امید و شادی را در میان مردم به وجود آورد. امید و شادمانی‌ای که به مرور زمان و با روشن شدن تفاوت میان بیانیه و توافق‌نامه در میان مردم اندکی کمرنگ شد. طبق بیانیه منتشر شده، جمهوری اسلامی ایران پذیرفته است غنی‌سازی خود را محدود کند در مقابل طرف غربی نیز قبول کرده در قبال این محدودیت در غنی‌سازی، تحریم‌های مربوط به برنامه هسته‌ای ایران را لغو کند.

به نظر می‌رسد این بیانیه پیام آوری خوب برای توافقی است که طرفین از آن به عنوان «توافق برد-برد» یاد می‌کنند. آنچه که به طور واضح از بیانیه برداشت می‌شود و بارها در صحبت‌های مقامات ارشد کشور نیز به آن اشاره شده، لغو یک جای همه تحریم‌ها بعد از حصول توافق نهایی است. تحریم‌هایی که بدون شک با ایجاد تزلزل در اقتصاد کشور و فشار به افشار مختلف مردم شاید اهرم فشار موثری برای باگیری مذاکرات بود. به نظر می‌رسد لغو تحریم‌ها دستاوردی مناسب در قبال محدودیتی باشد که غرب بر

# کاش



## نگاهی به حاشیه‌های سریال جدید مه‌ران مدیری

در این باب می‌توان گفت طبیعتا هیچ یک از پزشکان که البته از سرآمدان جامعه علمی کشور هستند، منطقا نباید با این دیدگاه موافق باشند و قطعاً منکر وجود پزشک نماها در میان همکاران خود نیستند هر چند اقلیتی باشند محدود و منزوی.

دوم؛ به دلیل نقش پررنگ قشر پزشکان در کشور، باید سعی شود دیدگاه مثبت مردم به این قشر حفظ شود. بدون شک زحمات و تلاشهای شبانه روزی بخش اعظم جامعه پزشکی کشور غیر قابل انکار است، ولی دلیلی بر نادیده گرفتن معایب موجود در اقلیت این صنف وجود ندارد. چون بیشترین لطمه به پزشکان توسط همین اقلیت وارد می‌شود و بی اعتمادی مردم ناشی از رفتار غلط دسته کوچکی از پزشکان است نه یک برنامه طنز تلویزیونی.

در نهایت آیا بهتر نیست مسولان جامعه پزشکی با انتقاد پذیری بیشتری با برخی واقعیت‌ها که به زبان طنز مطرح می‌شود روبرو شوند و سعی در رفع اشکالات خود داشته باشند؟ این گونه واکنش‌ها تنها موجب می‌شود مردم اطمینان حاصل کنند که اگر این موضوعات واقعیت نداشت، دلیلی برای اعتراض نیز وجود نداشت.

سینا سهیلی‌فر  
کارشناسی ارشد سم‌شناسی ۹۲



وقتی نوروز ۹۳ مه‌ران مدیری در ویژه برنامه تحویل سال اعلام کرد به تلویزیون باز خواهد گشت، خیلی‌ها خوشحال شدند. از روز بعد بود که حاشیه‌ها پیرامون سریال جدید مرد هزار چهره دنیای طنز، شروع شد. هنگامی که مشخص شد این سریال قرار است در مورد یک بیمارستان و طبیعتا پزشکان ساخته شود ناگهان رئیس صنف محترم پزشکان کشور بانگ وا اسفا بلند کرد و رئیس صدا و سیما را مخاطب قرار داد که چه نشسته اید آقای رئیس که در مجموعه تحت امر شما سریالی در حال تولید است که وجهه پزشکان خدم را در بین توده مردم خدشه دار خواهد کرد. مخالفان اندک اندک منسجم می‌شدند و دلایل مخالفت خود را بر می‌شمردند. یکی از دلایلی که در این بین مطرح شد، پربیننده بودن کارهای مدیری و تغییر دیدگاه مردم نسبت به جامعه پزشکی در نتیجه این سریال بود! خدشه وارد شدن به اجرای طرح ارتقاء نظام سلامت نیز از دلایل دیگری بود که طرفدارانی دولتی نیز داشت.

پس از این اعتراضات بود که تغییری در سناریو سریال انجام شد تا ساخت سریال ادامه یابد. وقتی سریال پخش شد پزشکان گرامی تنها هفت روز طاقت آوردند و باز هم نامه اعتراض آمیزی از سوی رئیس نظام پزشکی صادر شد. این بار سریال متهم به لودگی و مسخره کردن پزشکان شده بود. مشاور رئیس نظام پزشکی هم اعلام کرد که هفت هزار پزشک آماده تجمع اعتراضی نسبت به رویه صدا و سیما هستند. درباره سازه‌های مخالف نواخته شده با پخش سریال «در حاشیه» دو نکته قابل تامل است:

اول؛ اینطور به نظر می‌رسد که این نگرانی‌ها و اعتراضات به این دلیل است که جامعه پزشکی کشور از مطرح شدن برخی واقعیت‌ها در جامعه ترس دارد و معتقد است که این صنف از انتقاد مبرا است و مردم باید با همه توان و بی‌چون و چرا از پزشکان حمایت کنند.

## دلواپسی تان مستدام...

یادداشت‌واره

رضا قلندرآبادی  
فارغ التحصیل فقه و مبانی حقوق



«لوزه‌های عفونی توافق لوزان باید جراحی شود.»

این جمله‌ای است که حسین شریعتمداری گفته. شاید! به هر حال بیماری است و اگر وجود داشته باشد باید درمان شود. اما اگر چه نباید انتظاری از عالیجنابان دلواپس داشت اما کاش و صد کاش که علاوه بر دیدن لوزه عفونی توافق لوزان، آقایان نیم‌نگاهی هم به دردهای ملت داشتند. کاش آنهایی که لوزه عفونی را تشخیص می‌دهند سرطان ملت را هم می‌دیدند. اگر آن روزها که کارشناسان هشدار می‌دادند مواظب ملت باشید که نه تنها کمرشان در حال خرد شدن است، که تمام نشانه‌ها حاکی از سرطانی شدنشان هم هست، ذره‌ای آب در دلشان تکان می‌خورد و کمی دلواپس می‌شدند. کار به اینجا نمی‌کشید. کاش شما که طبیعتا، آن روز که رئیس دولت وقت یکه تازی می‌کرد و ماجراجویانه به پیش می‌رفت و هر روز تن نحیف کشور را به یحرائی تازه زخم می‌زد، از این توانایی خود در عرصه پزشکی بهره می‌بردید و به عنوان پزشکی حاذق به او می‌گفتید باور کن قطعنامه دان سفت تر از آن است که به این راحتی‌ها دچار پارگی شود. شما اگر طبیب بودید باید آن روز که آقای دلاور به بالا ترقی می‌کرد و ریال بیچاره به پایین می‌ترکید و تورم بلندپروازی پیشه کرده بود، رشد اقتصادی سر در لاک خود فرو برده بود و قیمت‌ها سینه ستبر کرده بودند، آستین همت بالا می‌زدید و جراحی را شروع می‌کردید اما افسوس که آن روزها پزشکان توانمند ما یا مشغول نسخه نویسی برای جهان بودند تا بلکه رویای دیرینه شان به حقیقت بدل شود. بله آقای شریعتمداری عزیز! آن روزها که مردم فریادرس می‌خواستند نبودید و امروز که کمی خیالشان راحت است، دلواپس شده اید و طبابتان گل کرده. دلواپسی تان مستدام...

- ستون «یادداشت‌واره» تریبونی است برای همه دانشجویان. شما می‌توانید یادداشت‌های انتقادی خود پیرامون مسائل روز را به آدرس info@sdj.ir برای ما ارسال کنید.

### امید ادیب:

- جان سیاست خارجی ما آرمان خواهی در ظرف واقع گرایی بوده است.
- «معاهده پاریس» بدترین معاهده ای است که تاکنون جمهوری اسلامی پذیرفته است.
- دوران آقای «احمدی نژاد- لاریجانی» موفق ترین دوران پرونده هسته ای بود.
- استراتژی «مقاومت-مذاکره» دوران آقای جلیلی موفق بود.
- در دوران آقای «روحانی- ظریف»، استراتژی رهبری «نرمش- بدبینی» و استراتژی ریاست جمهوری «لبخند- امید» است.
- هند و پاکستان نظم نوین جهانی را به خطر نینداخته‌اند.
- اگر فتنه ۸۸ نبود، امتیازاتی که در لوزان به دست آوردیم آن زمان کسب می کردیم.
- احتمال به ثمر رسیدن توافق هسته‌ای ۵ درصد است.
- بی‌اعتمادی به غرب را در سالهای آینده نیاز خواهیم داشت.



# فرجام برجام

تاریخ اتفاقیه

**ادیب:** بیانیه لوزان سوئیس باجی بود که شخص آقای روحانی به زیاده‌خواهی کنگره آمریکا داد. **شهریاری:** از آن همه تندروری و رجز خوانی علیه دنیا امروز چه چیزی به دست آوردیم؟ **صابریان:** سیاست خارجی جمهوری اسلامی کاملا جناحی و حزبی تعریف شده است. **کامیار:** مهمترین دستاورد مذاکرات هسته ای تجربه تاریخی عدم اعتماد به غرب است.



بالایی صورت گرفت اما وقتی اقدام متقابل از سوی طرف مقابل صورت نگرفت، چارچوبها و خطوط قرمز، نقش خود را ایفا کردند و با تاکید رهبری تعلیق داوطلبانه هسته‌ای توسط همان دولت لغو شد. در دوران آقای احمدی نژاد نیز دیدگاه های سیاسی دولت وقت، خودش را در نحوه اجرا نشان داد که امری طبیعی بود و در همه جای دنیا نیز معنای دموکراسی همین است. به نظر من یکی از نقاط عطف پرونده هسته‌ای در دوران ریاست جمهوری آقای روحانی رخ داد که پرونده هسته ای از بحثی امنیتی به بحثی سیاسی و دیپلماتیک تبدیل شد و متعاقب آن مسئول پرونده از دبیر شورای امنیت به وزیر خارجه تغییر کرد. این مثال نیز مبین انعطاف پذیر بودن جزئیات در کنار تغییر ناپذیر بودن کلیات و مبانی سیاست خارجی کشور ماست.

**پرونده هسته ای کشورمان امروز در شرایط خطیری قرار دارد.** از یکسو چارچوب توافق نهایی بسته شده است. برخی تحلیلگران از روزهای روشن آینده سخن می گویند و بر این باورند که ایران و غرب در آستانه توافقی تاریخی قرار دارند. از طرف دیگر برخی تحلیلگران از تاریخ نه چندان دور پرونده هسته ای مدد می گیرند و پیمان شکنی غربی ها در اوایل دهه هشتاد را متذکر می شوند. چشم انداز پیش روی پرونده هسته‌ای را چطور ارزیابی می کنید؟

ابتدا از بحث قبلی نکته‌ای را بگویم. سوال این است که اساسا مبنای این سیاست مدون بر چه پایه‌ای است؟

صدور انقلاب!

نه! آقای کامیار گفتند که عملکرد متفاوت دولت‌ها مبتنی بر بینش سیاسی متفاوت دولت‌هاست. کاش اینطور بود ولی اینگونه نیست. متأسفانه عملکرد متفاوت دولت‌ها بر مبنای منافع سیاسی دولتمردان در داخل کشور است. یعنی اینکه چه سیاست‌خارجی اتخاذ کنیم تا نهایت استفاده داخلی را ببریم که این رویکرد، رویکرد خطرناکی است. من برای این قضیه مثالی بزینم. آقای ادیب، ادبیات تند آقای احمدی‌نژاد را مفید دانستند. اگر واقعا آن رویکرد درست بود چرا در اواخر دولت دهم شاهد چرخشی صد و هشتاد درجه ای از سوی ایشان بودیم؟ این بیانگر همان نگاه منفعت‌گرایانه داخلی از اتخاذ آن رویکرد است حتی امروز هم سیاست «لبخند و امید» بیشتر از آنکه مبتنی بر بینش سیاسی خاصی باشد بر پایه کارکرد و نفع داخلی است.

اما پیرامون چشم‌انداز پرونده هسته‌ای و اینکه در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد باید ببینیم چرا این توافق در حال شکل‌گیری است یا چه نفع داخلی در این بین وجود دارد. می توان گفت علی‌رغم تمامی شعارهایی که علیه لیبرالیسم و سرمایه‌داری سر داده می‌شود، طبق شاخص‌های اقتصادی، ایران بیشترین نزدیکی به سیاست‌های یک دولت نئوکلاسیک را دارد. شاخص‌هایی نظیر آزادسازی قیمت‌ها، خصوصی‌کردن و مردمی‌کردن که با عناوین سانتی‌مانتال خوبی نظیر چابک‌سازی دولت مطرح می‌شود.

لذا با توجه به شرایطی که در آن قرار داریم طبیعتا در چالش با نظام بین‌الملل که بر پایه همین اصول شکل گرفته، پدرمان درخواهد آمد! چون می‌تواند پایه‌های نظام اقتصادی ما را بشکند و این اتفاق در همین پرونده هسته‌ای به وقوع پیوسته است. برخلاف شعارهایی که تا قبل از همین سال ۹۲ علیه آمریکا و غرب داده می‌شد و می‌شود، وزیر خارجه کشور ما با وزیر خارجه آمریکا در این سطح ملاقات و مذاکره می‌کند. ما از سویی بز آمریکا ستیزی می‌دهیم و از سوی دیگر برنامه‌های اقتصادی یکسانی مانند آنها اجرا می‌کنیم که نتیجه‌اش فشار فزاینده بر مردم شده است. از طرف دیگر شاهد ظهور طبقه‌ای

روی ما زوم کند و فشار بیشتر شود. اصل استراتژی «اعتمادسازی» درست بود که مورد تایید رهبری نیز بود ولی در اجرا آنچه انجام شد مورد تایید رهبری نبود. در دوران مدیریت آقای روحانی ما سه بیانیه امضا کردیم: «بیانیه تهران»، «بیانیه بروکسل» و «بیانیه پاریس». در «بیانیه تهران»، ماحق غنی‌سازی را تعلیق کردیم و پروتکل الحاقی را پذیرفتیم که طرف مقابل به تعهداتش عمل نکرد. در «بیانیه بروکسل» عقب‌نشینی دوم را انجام دادیم و غنی‌سازی را به صفر رساندیم و سرانجام به «معاهده پاریس» می‌رسیم که به نظر من، بدترین معاهده ای است که تاکنون جمهوری اسلامی آن را پذیرفته است.

در «معاهده پاریس» ما جمیع تعهدات «بیانیه تهران» و «بیانیه بروکسل» را به اضافه تعهداتی جدید، در حالی پذیرفتیم که طرف مقابل ظرف یک سال از آغاز معاهده، به تعهداتش عمل نکرده بود. دوران آقای «احمدی نژاد- لاریجانی» موفق‌ترین دوران پرونده هسته ای بود. در این دوران، غنی‌سازی همراه با اعتمادسازی را داشتیم. دیپلماسی خلاق آقای لاریجانی با کمک ادبیات تند، مثبت و استکبار ستیزانه آقای احمدی‌نژاد، ترکیب خوبی بود که به طرف مقابل نشان داد ما همواره در حال عقب‌نشینی نیستیم. لذا تصویب قطعنامه‌هایی علیه ایران در آن دوران طبیعی بود. با این وجود در آن دوران در حال رسیدن به نتایج مثبتی بودیم. گام به گام تعلیق‌ها رفع می‌شد که البته متناسب با آن، فشارهایی هم روی ما بود ولی متأسفانه به علت همان اختلافات سیاسی که آقای صابریان نیز به آن اشاره کردند، آقای لاریجانی عوض شدند که این تغییر به سیر پرونده هسته‌ای ما آسیب رساند. به طور خلاصه باید بگویم استراتژی «مقاومت-مذاکره» دوران آقای جلیلی موفق بود. آقای جلیلی در این دوران برای ما زمان خرید و ما توانستیم در همین دوران به غنی‌سازی ۲۰ درصد برسیم تا بتوانیم در دوران فعلی از این میزان غنی سازی استفاده لازم را در مذاکرات بکنیم. البته از این ظرفیت به خوبی در توافق ژنو استفاده نشد. در دوران آقای «روحانی- ظریف»، استراتژی رهبری «نرمش- بدبینی» و استراتژی ریاست جمهوری «لبخند- امید» است که هر کدام در جای خود می‌تواند موثر باشد. دو هدف رهبری در این دوران، یکی شکستن جناح بین المللی علیه ایران است که تا حدی موفق بوده ایم و دیگری اجماع داخلی علیه آمریکا است که مردم خودشان به این موضع برسد که نمی‌شود به آمریکا اعتماد کرد. امروز رکورد دیدارهای آقای کری با یک وزیر خارجه، در دستان آقای ظریف است اما همان طور که می‌بینیم در اقتصاد و سیاست ما تاثیر خاصی نداشته است.

**علی کامیار:** گفتنی‌ها را تقریبا دوستان گفتند. من اگر بخواهم یک جمع‌بندی در این بحث داشته باشم، معتقدم ادعای جناحی بودن سیاست خارجی

جمهوری اسلامی، ادعای درستی نیست اما می‌شود این نظر را اینگونه تفسیر کرد که در همین پرونده هسته‌ای، کلیات بحث کاملا مشخص و مدون است که چارچوب حرکت نیز توسط رهبری نظام مشخص می‌شود. صحبت اخیر رهبر انقلاب هم ناظر به همین رویکرد است که فرمودند من در جزئیات و نحوه اجرا دخالت نمی‌کنم. ایشان صرفا چارچوبها و خطوط قرمز را مشخص می‌کنند. جناحی بودن در همین جزئیات و نحوه اجراست که بروز می‌کند. پیرامون تاریخچه پرونده هسته‌ای هم می‌توان گفت چارچوبها و خط قرمزها مشخص بوده است. اما اختلافات در نحوه اجرا و جزئیات صدق می‌کند که البته این امر نیز طبیعی است که در اجراییات و جزئیات هر دولتی متناسب با بینش سیاسی خود اقدام کند. در زمان آقای خاتمی پرونده هسته ای به صورت مسالمانه‌ای امنیتی مطرح شد و از همان ابتدا حل و فصل آن به عهده شورای عالی امنیت ملی بود. متناسب با بینش ساس، تم آقای خاتمی، در آن دوران، اعتمادسازی در سطح

سیاست خارجی ما در ابتدای انقلاب اسلامی کاملا ایدئولوژیک بود و «صدور انقلاب» استراتژی آن تعریف شده بود. پس از سال ۱۳۶۷ ما به سمت «صدور فرهنگ» رفتیم و از سال ۱۳۸۴ باز در سیاست های کلان خود تجدید نظر کردیم و گفتیم دهه هفتاد و هشتاد اشتباه می‌کردیم و امروز باید از قسمت‌های مختلف دنیا حمایت کنیم. سیاست خارجی یعنی همین، که اتفاقا کاملا مدون هم هست. در مورد تاریخچه پرونده هسته‌ای هم باید گفت که پرونده ما وقتی به جریان می‌افتد که از اوایل دهه ۷۰، طبق خاطرات آقای هاشمی ما اقدام به ساخت سانتریفیوژ کردیم. پس از فروپاشی شوروی، نیروهای اطلاعاتی ما ۲، ۳ نفر از دانشمندان هسته‌ای شوروی را به ایران منتقل کردند. این افراد تعدادی اورانیوم نیز با خود آورده بودند که پس از آن اعلام کردیم ما در حال انجام فعالیت‌های مرتبط با انرژی هسته‌ای هستیم. اما چه شد که پرونده هسته‌ای ما در اوایل دهه ۸۰ جهانی شد؟ قضیه از این قرار بود که ما یک دروغ گفتیم! در کتاب «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» آقای روحانی که خوشبختانه قبل از ریاست جمهوری ایشان چاپ شد، ایشان علنا می‌گویند ما دروغ گفتیم! این دروغ از این قرار است که ما خطاب به غرب گفتیم تمامی سانتریفیوژهای موجود در تاسیسات هسته‌ای ما، ساخت خودمان است. وقتی که غربی‌ها حین بازدید از تاسیسات هسته‌ای از یکی، دو سانتریفیوژ نمونه برداری کردند متوجه شدند غنای این سانتریفیوژها بالای ۲۰ درصد است. دستگاه‌های تهویه سانتریفیوژها هم غنای بالای ۲۰ درصد را نشان می‌داد در حالی که ما به بازرسان گفته بودیم غنی‌سازی در حد ۲۰ درصد انجام ندادیم. آنجا بود که مجبور شدیم بگویم بیخیشد ما چند تا سانتریفیوژ هم از عبدالقدیر خان پدر بمب اتم پاکستان خریداری کرده‌ایم. از آن زمان غرب به این نتیجه رسید که ایران حداقل راستگو نیست. لذا می‌توان گفت پرونده هسته‌ای زمانی به جریان افتاد که ما این «چاخان» را کردیم. پیرامون دوره‌های پرونده هسته‌ای باید بگویم دوران آقای جلیلی از چارچوب‌مندترین دوره‌های سیاست خارجی کشور ما بود زیرا ایشان کاری را انجام می‌داد که ما دقیقا همان را می‌خواستیم. ایشان قرار بود مذاکرات را کنش بدهد و برای ما زمان بخرد که به نحو احسن نیز این کار را انجام داد تا ما بتوانیم به نتایجی که می‌خواستیم برسیم. آقای جلیلی در انجام ماموریتش ۱۰۰ درصد موفق بود. البته باید بگویم که بنده قضاوت ارزشی نمی‌کنم که این کار درستی بود یا خیر. بنده به قضیه هنجاری نگاه می‌کنم. امروز نیز ما به دستاوردهایی که می‌خواستیم رسیدیم و حاضریم به دنیا ثابت کنیم ما بمب اتم نمی‌خواهیم. اگر هم اکنون نیز حاضریم سطح غنی سازی خود را به سطح ۳.۵ درصد برسانیم به این علت است که نیاز امروز ما بیشتر از این درصد غنی سازی نیست.

**امید ادیب:** بنده نیز برخلاف آقای صابریان معتقدم که یکی از راهبردی‌ترین سیاست‌های خارجی متعلق به جمهوری اسلامی ایران است.

جان سیاست خارجی ما آرمان خواهی در ظرف واقع گرایی بوده است. از سال ۱۳۸۲ که پرونده هسته‌ای ما به جریان افتاد ما ۴ دوره داشته‌ایم: دوره «خاتمی- روحانی»، «دوره احمدی‌نژاد- لاریجانی»، «دوره احمدی‌نژاد- جلیلی»، «دوره روحانی- ظریف» که تحت نظر رهبری، ما دقیق‌ترین و واقع‌بینانه‌ترین استراتژی مورد نیاز در پرونده هسته‌ای را دنبال کرده ایم. البته در اجرا موفق بوده‌ایم یا نبوده‌ایم بحث دیگری است. لذا در حوزه سیاست‌گذاری می‌توان گفت نگاه جمهوری اسلامی کاملا کلان و راهبردی بوده که مبین نگاه راهبردی رهبری پیرامون دو دهه پرونده هسته ای بوده است. در دوره «خاتمی- روحانی» استراتژی ما «اعتمادسازی» بود. ما چند سال فعالیت هسته‌ای مخفی داشتیم که توسط منافقان، له و مرود طبع، است که دنیا

■ قریب به ۱۳ سال از آغاز پرونده هسته ای ایران گذشته است. پرونده‌ای که فراز و فرودهای زیادی داشته، از اعتمادسازی عصر دکتر روحانی (۱۳۸۲-۱۳۸۴) گرفته تا مقاومت و پایداری دوران دکتر جلیلی (۱۳۸۶-۱۳۹۲). امروز در جایی ایستاده ایم که بزرگترین دستاورد مذاکرات هسته ای از جانب دکتر ظریف، به رسمیت شناخته شدن حقوق هسته‌ای کشورمان توسط قدرت‌ها و مجامع جهانی عنوان می‌شود. ارزیابی خود را به طور مختصر از روند پرونده هسته ای کشورمان ارائه دهید.

**محمد صابریان:** اگر بخواهم دقیق‌تر وارد بحث شوم تا به نتیجه‌گیری دلخواه برسم، ابتدا سیاست خارجی جمهوری اسلامی را بررسی می‌کنم.

متأسفانه به عنوان یک دانشجو باید بگویم سیاست خارجی جمهوری اسلامی مبتنی بر پایه مشخصی نبوده؛ خواه ایدئولوژی، خواه منافع ملی، یعنی کاملا جناحی و حزبی تعریف شده است. به عنوان مثال در دهه ۶۰، جناح چپ رویه‌روی آمریکا تندترین شعارها را می‌دهد ولی از طرف دیگر جناح راست می‌خواهد در دامن آمریکا بیافتد. اواخر دهه ۷۰ وقتی اوضاع و احوال دگرگون می‌شود، افرادی که تندترین شعارها علیه آمریکا سر می‌دادند، خواهان آشتی می‌شوند و افرادی که موافق رابطه با آمریکا بودند، دشمنان سرسخت می‌شوند. این امر نشان دهنده این است که سیاست خارجی ما بیشتر از آنکه مبتنی بر پایه تئوریک خاصی باشد، بیشتر سیاسی و جناحی تعریف شده است. در قضیه هسته‌ای هم همین اتفاق افتاد، یعنی بحث هسته‌ای هم به یک گروهی سیاسی تبدیل شده که فرصتی است برای اثبات جناح های سیاسی. به عبارت دیگر جناح‌های سیاسی از این موضوع بهره‌برداری سیاسی داخلی می‌کنند که این مقوله خطرناک‌ترین امر در موضوع سیاست خارجی است. به عنوان مثال در فضای مجازی پیام‌های زیادی در نقد ایدئولوژیک بودن سیاست خارجی رد و بدل می‌شود. جدا از وارد بودن یا نبودن نقدها، بحث بر سر این است که سیاست خارجی ما اساسا ایدئولوژیک نیست و جناح‌های سیاسی از این موضوع بهره‌برداری خاص خود را می‌کنند. به عنوان نمونه در همین قضیه هسته‌ای، زمانی که شخص آقای روحانی مذاکره کننده هسته‌ای بودند، «بیانیه سعدآباد» بدون بررسی و نگاه منصفانه توسط مخالفین به فحش‌های سیاسی تبدیل شد. در دوران مسئولیت آقای لاریجانی، زمانی که پرونده هسته‌ای و طرح آقای لاریجانی موسوم به «مدالیت» در مذاکرات با سولانا در آستانه به نتیجه رسیدن بود، باز تحت تاثیر شرایط سیاسی، مذاکره کننده ما عوض شد که این امر منجر به شکست مذاکرات شد. در اواخر دوران آقای جلیلی نیز دولت سابق به دنبال ارتباطی کاملا شتاب‌زده و غیر منطقی با آمریکا بود که از سمت نظام پس زده شد که این قضیه هم به خاطر نیت‌های سیاسی خاص دولت سابق بود.

الان هم بیشتر مخالفت‌ها در فضای داخلی پیرامون پرونده هسته‌ای، مخالفت سیاسی است که می‌توان این گونه تفسیر کرد که مخالفان، مخالفشان بر سر چگونگی مذاکره نیست. به بیان روشن تر مخالفان دوست داشتند، به سرانجام رسیدن پرونده هسته‌ای به نام خودشان ثبت شود تا قهرمان نام بگیرند. می‌توان گفت علت بیشتر سنگ‌اندازها همین دغدغه‌های سیاسی بوده تا دغدغه‌های ملی.

**قاسم شهریاری:** اساسا تقسیم‌بندی موسوم به اصلاح طلب و اصولگرا را قبول ندارم و معتقدم عمر دانشجویان بر سر این تقسیم‌بندی‌ها هدر می‌رود لذا من در بحثی که ارائه می‌دهم امکان دارد به همه دوستان انتقاد داشته باشم. اولین انتقادم را هم از آقای صابریان می‌کنم. به هیچ وجه اینگونه نیست که سیاست خارجی ما ولنگ و باز باشد. اگر مطالعه کنیم خواهیم دید که اتفاقا سیاست خارجی ما در دوره‌های مختلف کاملا حا حب مشخص، داشته که شاخصه‌ها، معیّن نب داد.

## قاسم شهریاری :



- سیاست خارجی ما ولنگ و باز نیست.  
- پرونده هسته‌ای زمانی به جریان افتاد که «چاخان» کردیم!  
- دوران آقای جلیلی از چارچوب‌مندترین دوره‌های سیاست خارجی کشور ما بود.  
- چرا کسی به هند که بمب اتم دارد گیر نمی‌دهد؟  
- ما واقع‌گراییم نه هیچ چیز دیگر.  
- اورانیوم کیک و کلوچه نیست که بخواهیم بین مردم توزیع کنیم.  
- ما تنها بحث هسته‌ای را روی میز مذاکره گذاشته ایم آنها هم گفتند فقط تحریم‌های هسته‌ای را بر می‌داریم چیزی که عوض دارد گله ندارد دیگر!  
- چه عاملی غیر از شرایط بد اقتصادی ما را پای میز مذاکره کشاند؟  
- آیا شما بیماری‌های ناشی از تحریم‌ها را در این چند سال ندیده اید؟ صنایع غذایی معیوبی که جامعه شناسان از آن با نام «پتوی سرطان» نام می‌برند چگونه؟

تعیین کردند، من حداقل چشم انداز بحث هسته ای را در چند ماه آینده روشن می‌بینم. یعنی تاکید رهبری بر لغو یکپاره تمامی تحریم‌ها در روز توافق، نوید دهنده آینده ای شفاف است. از این جهت که تکلیف ما مشخص می‌شود. دولت هم اکنون با این شرایط اگر توانست به توافق برسد خیلی خوب است و در نتیجه فشارهای تحریم از سر زندگی مردم برداشته می‌شود. با توجه به بیانیه لوزان سوئیس که رهبری امروز اشاره کردند هنوز هیچ اتفاقی نیافتاده است. با این حال در بیانیه قید شده که تحریم‌ها با راستی آزمایی آژانس اتمی لغو خواهد شد که این شرط کاملا با مبنایی که اشاره کردیم رهبری تعریف کرده‌اند، همخوانی ندارد. بنابراین تکلیف تعامل هسته‌ای ما با غرب تا چند ماه آینده مشخص می‌شود.

ما واقع‌گراییم نه هیچ چیز دیگر. ما با توجه به شرایط زمانه، ایده‌آلیسم خود را درون ظرف واقع‌گرایی می‌ریزیم. واقع‌گرا هستیم که با نسل‌کشی مسلمانان در میانمار کاری نداریم اما در برابر کشته شدن دو کودک در فلسطین واکنش نشان می‌دهیم. آقای اوباما در مصاحبه‌ای که به تازگی با شبکه رادیویی «ان. پی. آر» نیز داشت در واکنش به صحبت تانیاهاو مینی بر اینکه به رسمیت شناختن اسرائیل باید بخشی از توافق با ایران باشد گفته است اصلا از این خبرها نیست اگر خیال کردید قرار است بعد از این توافق فرضا ایران دست از حمایت حوثی‌ها و بشار اسد بردارد اشتباه فکر می‌کنید که البته صدا و سیما این بخش‌ها را منعکس نکرد. من به عنوان کسی که علوم سیاسی می‌خوانم موافق این واقع‌گرایی هستم و به نظرم مفید هم هست. اما من از آقای ادیب تعجب کردم که دربار هند اینگونه گفتند. هند اقتصاد جهان را قبضه کرده است. هند توانست در طول ده سال، ۵۰ میلیون از مردم فقیر خود را به سطح متوسط اقتصادی برساند. سیاست‌های هند قابلیت این را دارد که تبدیل به الگویی برای ما شود.

البته برداشت من از صحبت‌های آقای ادیب این بود که هند و پاکستان در فضای بازی جهانی، بازیگر هستند و بازی می‌کنند. در این دیدگاه منکر این نیستیم که این دو کشور نمی‌توانند ابر قدرت باشند.

ما هم بازی می‌کنیم!

نه، ما بازی نمی‌کنیم!

اتفاقا من معتقدم ما هم داریم وارد بازی جهانی می‌شویم و طرف مقابل هم بالاخره در حال تعریف کردن جایگاهی برای ماست. پیشینه تاریخی و فرهنگی - اجتماعی ما نشان می‌دهد که ما هم می‌توانیم یک بازیگر در عرصه جهانی باشیم.

من فقط یک جمله بگویم؛ من گفتم که هند و پاکستان تهدیدی برای نظم نوین جهانی نیستند، هر کدام از این مولفه‌ها شاخص‌هایی دارد و من معتقدم فرضا اگر کشوری قدرت اول اقتصادی دنیا باشد ولی تهدیدی برای اسرائیل نداشته باشد، قدرت‌های جهانی با آن کشور کاری ندارند و اتفاق می‌تواند بازیگر موثر در عرصه بین‌المللی باشد.

■ امروز پس از بیانیه لوزان سوئیس، صف آرای منتقدان و حامیان جدی تر از همیشه است. منتقدان از لحاظ حقوقی نقدهای زیادی به این بیانیه وارد کرده اند. از الزام آور بودن بیانیه ای که از جانب تیم مذاکره کننده غیرالزام آور دانسته می‌شود تا اختلاف بر سر چگونگی لغو تحریم‌ها علیه ایران، به طور خلاصه ارزیابی خود پیرامون بیانیه لوزان سوئیس را بیان کنید.

پیرامون بیانیه لوزان همان طور که رهبری هم گفتند چیز الزام آوری وجود ندارد البته دستاوردهایی وجود دارد که به آنها اشاره خواهیم کرد. دستاورد بیانیه لوزان، توافقات شفاهی است که حاصل شده است هر چند بیانیه جنبه‌های مبهم و غیر الزام آوری داشته باشد. در جواب افرادی که ماربل وار صحبت‌های افرادی نظیر موگرینی را بررسی می‌کنند و می‌گویند سر ایران کلاه گذاشتند و از این قبیل صحبت‌ها، باید گفت اگر واقعا توافق الزام آوری منعقد شده است آیا آمریکایی‌ها خل هستند که در سه ماه آتی پای میز مذاکره بیایند و مذاکره کنند؟ آنچه در این میان وجود دارد اعتمادی است که ما به تیم مذاکره کننده خودمان و رهبری داریم و از سوی دیگر هوشیاری که نسبت به توطئه چینی غرب علی‌الخصوص آمریکا داریم. می‌توان گفت بیانیه لوزان چارچوبی است که تا امروز به آن رسیده‌ایم و ممکن است فردا در طول مذاکرات این چارچوب نیز تغییر کند که در هر حال رسیدن تا این

داریم. در نتیجه در همین یک سال و نیم هم مشکل خواهیم داشت. امروز تندروترین سناتورهای جمهوری خواه تاریخ آمریکا در سنا مشغول به کار هستند. در حال حاضر سه طرح ضد ایرانی دارند. از سوی دیگر ما با ایالات متحده تضاد منافع استراتژیک داریم. یعنی در چهار حوزه اسرائیل، سهم خواهی در نظم نوین جهان، اقتصاد آینده دنیا که انرژی هسته‌ای زیر مجموعه این بحث است و حمایت از مظلوم در خاورمیانه. وقتی دو نفر دو حرف متناقض با هم می‌زنند نمی‌توانند یک توافق ۶ ماهه با هم ببندند چه برسد به توافقی ده ساله! لذا به نظر من احتمال به ثمر رسیدن توافق هسته‌ای ۵ درصد است. بر فرض وقوع توافق نیز به نظر من پس از چند ماه طرف غربی تعهداتش را نقص خواهد کرد. البته در آن زمان جمهوری اسلامی این فرصت را دارد تا قدم‌های بیشتری در



حوزه انرژی هسته‌ای بردارد. به عبارت دیگر من مقطع فعلی را همچون موقعیتی می‌بینم که ایران برای برش از جوی آبی عقب‌نشینی می‌کند تا ببرد.

ابتدا به طور مختصر به صحبت دوستان می‌پردازم. آقای صابریان گفتند که رفتار دولت‌ها متناسب با نفع داخلی دولت‌هاست نه بینش سیاسی آنها. من البته فضا را آتندر سیاه نمی‌بینم که دولت‌مردان ما صرفا به فکر خودشان باشند. آنها به فکر آسایش بیشتر مردم کشور هستند تا اعتماد مجدد مردم به خودشان را جلب کنند که این امر نیز کاملا متناسب با بینش سیاسی آنهاست. به عنوان مثال دولت اصلاحات معتقد بود که باید نهایت تعامل با غرب را داشته باشیم تا وضع زندگی مردم در داخل کشور بهتر شود یا در جناح مقابل دیدگاهی وجود دارد که ما باید به ظرفیت داخلی خود تکیه کنیم و نباید به بیگانگان امتیاز بدهیم. هند گیر نمی‌دهد، باید پاسخ دهم که از این دست تناقضات در جامعه بین‌الملل موارد زیادی وجود دارد. چرا به اسرائیل و عربستان امروز کسی کاری ندارد؟ چرا آمریکا تنها استفاده کننده از سلاح‌های هسته‌ای چنین حقی دارد که در مورد دیگران قضاوت کند؟ در پاسخ به سوال شما پیرامون مذاکرات هسته ای باید بگویم فضای امروز، فضای روشن و خوبی است. در دهه ۸۰ مردم اطلاعات زیادی پیرامون مسائل هسته‌ای نداشتند و مسئولان نظام هم امکان انتقال اطلاعات به مردم پیرامون این موضوع را نداشتند اما امروز شرایط کاملا تغییر

بودند اما با توجه به اتفاقاتی که از ۲۰ خرداد ۸۸ تا ۲۷ خرداد ۸۸ رخ داد تمامی دعوتنامه‌ها پس گرفته شد و تمامی استراتژی‌های نظریه‌پردازان آمریکا تغییر پیدا کرد و استراتژی تحریم و فشار بی‌سابقه مدنظر قرار گرفت. اگر فتنه ۸۸ نبود امتیازاتی که در لوزان به دست آوردیم آن زمان به کسب می‌کردیم و پس از سال ۸۸ موضع و جایگاه بسیار قوی‌تر در اقتصاد، سیاست و انرژی هسته‌ای داشتیم.

### ■ شما قطعنامه‌های قبل از سال ۸۸ را چطور ارزیابی می‌کنید؟

تمام قطعنامه‌های شورای حکام غیر از یک مورد قبل از سال ۸۸ بود از تاریخ ۸۷/۷/۶ تا ۸۸/۹/۶ یعنی به مدت ۱۵ ماه هیچ قطعنامه‌ای علیه ایران حتی در شورای حکام صادر نشد، چون اجماع علیه ایران از بین رفته بود و نظر دنیا پیرامون ما در حال تغییر بود اما پس از



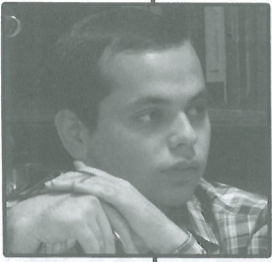
نظیر بازگشایی دفتر حافظ منافع آمریکا در ایران و بالعکس و آزاد شدن پول‌های بلوکه شده ما محتمل است. پیرامون انسجام سیاست خارجی محمدرضا شاه هم باید بگویم. سیاست خارجه عصر او یکی از بهترین‌ها بوده است. هدف محمدرضا پهلوی این بود که «ژاندارم منطقه» بشود و برای رسیدن به هدفش در سیاست خارجی هر کاری می‌کرد یعنی امتیاز هم می‌داد. این رویکرد از لحاظ هنجاری کاری قابل قبول است. البته به این معنا نیست که من معتقدم کار خوبی کرد که ثروت ملی ما را به باد داد ولی به هر حال سیاست خارجی هدفمندی را دنبال می‌کرد. در مجموع می‌توان گفت دعوای سیاسی ما با آمریکا حتما کمتر خواهد شد. باید دید چه هزینه‌ای می‌کنیم و چه به دست می‌آوریم. واقعا از آن همه تندروی و رجز خوانی علیه دنیا امروز چه چیزی به دست آوردیم؟ پیرامون آینده رابطه ایران و آمریکا اضافه کنم تا یک سال و نیم آینده که آقای اوباما روی کار است ما شرایط خوبی خواهیم داشت.

در جواب آقای شهریاری که گفتند چرا جهان به پاکستان و هند گیر نمی‌دهند باید بگویم خیلی ساده است. چون این دو کشور نظم نوین جهانی را به خطر نیانداخته‌اند. درحالی که ایران پس از گذشت ۳۷ سال

از یک قدرت معمولی به قدرت اول منطقه تبدیل شده است و فاصله‌اش با ترکیه به عنوان قدرت دوم منطقه را به سرعت دارد افزایش می‌دهد. از طرف دیگر منطقی نیست که به خاطر یک مخفی‌کاری یا اشتباهی که ما مرتکب شدیم، خون یک کشور را ۱۲ سال در شیشه کنند. به نظرم باید به دنبال علل مهم‌تری بگردیم. در باب تاریخچه پرونده هسته‌ای یک بحث پیرامون ارتباط این مساله با فتنه ۸۸ را مدیونم اگر نگویم. ببینید در دوران سوم «احمدی‌نژاد - جلیلی» ما داشتیم به نقطه مطلوب خود می‌رسیدیم؛ مقاومت توأم با ترک نکردن میز مذاکره. از سوی دیگر با خونی که شهدای هسته‌ای ما داده بودند ما در سال ۸۵ کیک زرد و در سال ۸۶ پنج درصد غنی‌سازی را داشتیم که این امر پیشرفت فوق‌العاده‌ای در تاریخ انرژی هسته‌ای کشورمان بود. طرف مقابل به سرعت در حال اقعاع بود تا به هر طریق ممکن با ایران توافق کند. طرف غربی فهمیده بود که مشخص نیست ظرف ۵ سال آینده ایران در بحث هسته‌ای، بحث نانو و غیره در کجا قرار دارد. لذا اگر تحولات دیپلماتیک فروردین ۸۸ تا ۲۰ خرداد ۸۸ را دنبال کنید مشاهده می‌کنید با توجه به انتخابات ریاست جمهوری که با مشارکت بالایی برگزار شد و همین اتفاق خودش کاتالیزوری بود که نظام را کیلومترها به جلو پرتاب کند. در آن بازه زمانی تمامی قدرت‌های جهان قصد داشتند با ایران که آن روز به ۵ درصد غنی‌سازی دست یافته بود به توافق برسند، لذا دعوت نامه داده بودند، برنامه دیپلماتیک ترتیب داده بودند. به طور خلاصه

## محمد صابریان:

- بحث هسته‌ای به یک گروکشی سیاسی تبدیل شده است.
- دولت سابق به دنبال ارتباطی کاملاً شتاب‌زده و غیر منطقی با آمریکا بود که از سمت نظام پس زده شد.
- عملکرد متفاوت دولت‌ها بر مبنای منافع سیاسی دولتمردان در داخل کشور است.
- در اواخر دولت دهم شاهد چرخشی صد و هشتاد درجه ای در سیاست خارجی بودیم.
- ایران بیشترین نزدیکی به سیاست‌های یک دولت نئوکلاسیک را دارد.
- بیانیه لوزان چارچوبی است که تا امروز به آن رسیده‌ایم.
- ایران در این دور از مذاکرات، عقلانیت خود را کاملاً نشان داد.
- ایران نمی‌خواهد و نیاز ندارد که آب سنگین اراک به وضعیت ابتدایی خود بازگردد.
- باید مواظب باشیم که این توافق منجر به وابستگی بیشتر ما نشود.



مقطع فعلی نیاز ما در حد همین میزان غنی‌سازی است. نکته دیگر اینکه ساخت نیروگاه ما ۸ سال طول می‌کشد که با توجه به میزان ذخایر اورانیوم غنی‌شده فعلی کشورمان برای مصارف در زمینه‌های برق، دارو و... تعهد به تعلیق ۱۰ ساله ساخت نیروگاه با وجود ریسکی دو ساله که سوخت نداریم، تعهدی منطقی است. برگ‌های برنده دیگری نظیر ۱۹۰۰۰ سانتریفیوژ، نسل ۳ و ۴ سانتریفیوژها و ۱۰۰۰۰ کیلو اورانیوم غنی شده داشتیم که می‌توانستیم در توافق نهایی خرج کنیم ولی متأسفانه برای بیانیه لوزان که هیچ اهمیتی ندارد از دست دادیم. از دستاوردهای لوزان می‌توان به حفظ سطح و ظرفیت غنی‌سازی مان، حجم اورانیوم، آب سنگین، تحقیق و توسعه در فرود اشاره کرد که البته نباید به پای تیم مذاکره هسته‌ای بنویسیم! حرف اصلی من این است که داده و ستانده بیانیه لوزان متوازن نیست. درباره این قضیه که آقای شهریاری گفتند طرف غربی تحریم‌های هسته‌ای را بر می‌دارد چون ایران تنها درباره موضوع هسته‌ای در حال مذاکره است، سخن درستی نیست. اگر این طور است چرا خانم شرمین (معاون سیاسی وزارت خارجه آمریکا) گت موشک‌های بالستیک هم باید در توافق گنجانده شوند؟

چون موشک‌های بالستیک برای بمب اتم طراحی شده اند!

خیر! موشک‌های بالستیک در عرف دنیا در حیطه نظامی قرار می‌گیرد و ارتباطی با بحث هسته‌ای ندارد که ما در مذاکرات متعددی از وین گرفته تا مسقط چانه‌زنی کنیم تا این بحث وارد مذاکرات نشود نفس تحریم‌ها غیر قانونی است. طبق تعهدات بین المللی غربی‌ها مکلف‌اند که به ما در زمینه غنی‌سازی کمک کنند.

من هم تاکید می‌کنم که می‌توان از موشک بالستیک برای حمل بمب اتم استفاده کرد ولی این بدان معنا نیست که تنها کاربرد موشک‌های بالستیک حمل بمب اتم باشد. در پاسخ به سوال آقای صابریان درباره چگونگی رفع تحریم‌ها باید بگویم رفع تحریم‌ها به هیچ عنوان اقدامی سیاسی نیست بلکه کاملاً اقدامی عملی است. یعنی تحریم‌ها یک‌شبه تصویب نشده‌اند که یک‌شبه لغو شوند. آمریکا برای اینکه بتواند اجماعی برای تصویب چنین تحریم‌هایی ایجاد کند چندین سال تلاش کرده است و لغو تحریم‌ها به مدت زمان زیادی نیاز دارد که ما اینک پس از توافق ژنو وقتی ما معترض شدیم چرا پول‌های بلوکه شده ما را طبق توافق آزاد نمی‌کنید پاسخ دادند آزاد کردن پول‌ها که به همین راحتی نیست و سازوکار زمانبری دارد. نکته‌ای درباره تعداد سانتریفیوژهای توافق شده میان دو طرف بگویم. هر چند در توافق‌نامه سوئیس از تعداد سانتریفیوژها صحبتی نشده اما گویا دو طرف بر سر حدود ۶۱۰۰ سانتریفیوژ به توافق رسیده‌اند که اگر این طور باشد این یک فاجعه است و این مورد هم جز همان خطوط قرمزی است که رد شده است. چون که رهبری گفتند ما در سقف ۸ سال به ۱۹۰ هزار سو غنی‌سازی نیاز داریم در حالی که ما تا قبل از توافقات هسته‌ای جدید تعداد ۱۹ هزار سانتریفیوژ نسل یک و ۱۰۰۰ سانتریفیوژ نسل دو داشتیم که به سانتریفیوژهای نسل دوم گازی تزریق نشده و عملاً کار نمی‌کند. نسل سه و چهار هم که تعداد محدود و آزمایشگاهی داریم. حالا با توجه به اینکه هر سانتریفیوژ نسل دوم، دو سو ظرفیت غنی‌سازی دارد با ۶۱۰۰ سانتریفیوژ، ما به حدود ۱۲۲۰۰ سو می‌رسیم. در حالی که ما به ۱۹۰ هزار سو نیاز داریم. نکته دیگری هم پیرامون رفتار تیم هسته‌ای در داخل کشور بگویم. تیم هسته‌ای کشورمان واقعا مثل غریبه‌ها با مردم کشورمان برخورد می‌کند. شما رفتار تیم هسته‌ای آمریکا پس از هر دور مذاکرات را ببینید. وزیر امور خارجه آمریکا یا یکی از معاونانش به جلسه استماع کنگره می‌روند. از صحبت‌هایشان فیلم‌برداری می‌شود و حتی قسمت‌هایی از صحبت‌ها در رسانه‌ها انعکاس پیدا می‌کند. اما تیم هسته‌ای ما در داخل کشور چگونه رفتار می‌کند؟ آقای ظریف ۳ یا ۴ بار به مجلس رفتند و هر بار بدون خروجی مشخصی با تنش و درگیری خارج شدند. غیر از همین مورد اخیر با مردم هیچ وقت مستقیم صحبت نکرده‌اند و شرح مذاکرات را نگفته‌اند. به نظر خیلی از سوء تفاهم‌هایی که در جامعه وجود دارد و منجر شده افراد همدیگر را از دلواپس تا خائن و وطن فروشی بنامند، ناشی از همین نحوه رفتار تیم هسته‌ای کشورمان است. واقعا اگر از همان روز اول، تعدادی از منتقدین دعوت می‌شدند تا حرف‌هایشان شنیده می‌شد این مسائل به وجود نمی‌آمد.

بحث دیگری که اینجا مطرح می‌شود میزان تأثیر لغو تحریم‌ها بر وضعیت اقتصادی کشور است. با توجه به اینکه یکی از تصورات غالب پیرامون سیاست‌های کلان دولت، اتکای بیش از حد دولت یازدهم به سیاست خارجی عنوان می‌شود. تحلیل اقتصادی خود از وضعیت آتی اقتصاد کشور را

از این بحث که بگذریم پیرامون نظر آقای کامیار که گفتند برداشتن تحریم‌ها پس از راستی‌آزمایی آژانس مغایر خط قرمزهای ماست. برای من سوال پیش می‌آید که با توجه به اینکه در مذاکرات هسته‌ای آنچه ما داریم اقدامات عملی ماست و آنچه طرف مقابل دارد و با آن مذاکره می‌کند تصمیمات سیاسی آنهاست. حال از آنجایی که انجام اقدامات عملی زمان بر است اما تصمیمات سیاسی ظرف چند روز گرفته می‌شود، چگونه می‌توان توازنی زمانی میان انجام تعهدات ما و غرب پس از وقوع توافق هسته‌ای ایجاد کرد که این توافق دو مرحله‌ای نشود؟

در مورد اینکه چرا تنها تحریم‌های هسته‌ای قرار است برداشته شود باید بگویم چون ما تنها بحث هسته‌ای را روی میز مذاکره گذاشته‌ایم آنها هم گفتند فقط تحریم‌های هسته‌ای را بر می‌داریم چیزی که عوض دارد گله ندارد دیگه! پیرامون چگونگی لغو تحریم‌ها که آقایان صابری و کامیار صحبت کردند باید بگویم آقای ظریف چند روز پیش در این مورد گفتند که زمانی تحریم‌ها لغو خواهند شد که ما اقدامات عملی خود را انجام بدهیم.

آنچه الان نقد می‌کنیم با این فرض است که در توافق نهایی این اشکالات رخ ندهد. درباره این گفته آقای شهریاری که ما چیزی در مذاکرات



جزئیات و برشمردن تعداد امتیازهایی که دادیم چند تا بوده است مهم نیست. امروز شاید به خاطر موضع غیر منطقی سال‌های پیش لازم باشد تعداد بیشتری امتیاز بدهیم اما آنچه مهم است موضع عقلانی تیم فعلی مذاکره‌کننده هسته‌ای کشورمان است. پرونده هسته‌ای منجر به تحولات سیاسی خاصی در داخل کشور نیز شده است. همین که بحث هسته‌ای از موضوعی امنیتی به موضوعی سیاسی تبدیل شده تا جایی که اتحادیه شیدا اصولگرای انجمن مستقل دانشجویان نامه‌ای در نقد مواضع اخیر فرمانده سپاه منتشر می‌کند. فضای سیاسی که هیچ کس فکر نمی‌کرد اینگونه شود. یک سال پیش، انجمن اسلامی دانشگاه فردوسی به خاطر یک مطلب انتقادی پدرش در آمد. هیچ کس فکر نمی‌کرد فضا اینقدر باز شود. این‌ها همه اثرات ناشی از همین فضای مذاکرات هسته‌ای است.

ایجاد شد، طرف مقابل قلب واقعیت کند و سخنانی در تناقض با توافق مشترک بگوید؟ لذا به نظر من این دیالوگ هیچ ارزشی ندارد. مهمترین دستاورد مذاکرات هسته‌ای تجربه تاریخی عدم اعتماد به غرب است که پس از این مذاکرات به دست می‌آوریم. در مورد صحبت آقای ادیب درباره دستاوردهای مذاکره که ما توانسته‌ایم سه شکاف میان غرب ایجاد کنیم، من واقعا شک دارم. کما اینکه روسیه و چین هم در بزنگاه‌ها روبه‌روی ما می‌ایستند. معطوف به سوال شما پیرامون بیانیه لوزان سوئیس من مواضع رهبری را تکرار می‌کنم که درباره کلیت بیانیه نه موافقم نه مخالف. چون هیچ چیزی الان وجود ندارد و همان طور که گفتند عده‌ای در جامعه راه افتادند و شروع به تریک گفتن کردند که واقعا بی‌معنی است. البته می‌شود درباره جزئیات و بندهای بیانیه لوزان صحبت کرد مثلاً آن بند بیانیه که می‌گوید تحریم‌ها با راستی‌آزمایی آژانس انرژی اتمی برداشته می‌شود در تضاد با نظر رهبری است و در مذاکرات آتی حتما باید این قسمت حذف شود.

اگر بخواهیم باز هم درباره کلیت روند مذاکرات هسته‌ای صحبت کنیم، یکی از مسائل قابل تامل، عقلانیت خود را کاملاً نشان داد. موضع امروز ما یک موضع منطقی و متناسب با خواسته‌هایمان است. تمرکز بر روی

تحلیل سیاسی من از این قرار است که بیانیه سوئیس یک معاهده الزام‌آور نیست ولی ما تعهد کردیم که اگر می‌خواهیم توافقی ببندیم از ۳۶۷ درصد غنی‌سازی و ۵۰۰۰ سانتریفیوژ فراتر نرویم. ۱۲ تعهد داده‌ایم و طرف مقابل هم تعهد کرده‌است که تحریم‌ها را بردارد که البته هنوز سازوکار رفع تحریم‌ها مشخص نیست. لذا تعهدات طرف مقابل تفسیرپذیر، کلی و کم است ولی ۱۲ تعهد ما مشخص، صریح و با ضمانت اجرای قوی است که این مسئله نقطه ضعف بیانیه لوزان است لذا اگر مذاکرات لوزان بدون بیانیه مطبوعاتی به پایان می‌رسید یک پیروزی بزرگ برای ما بود ولی بیانیه کار را خراب کرد. به نظر من بیانیه باجی بود که شخص آقای روحانی به زیاده‌خواهی کنگره آمریکا داد و نظر شخصی آقای ظریف این نبود. ما قرار بود که یک مرحله‌ای توافق کنیم هر چند اکنون نیز دو مرحله نشده ولی بالاخره تعهداتی را پذیرفته ایم.

به هر حال توافق لوزان نقاط قوتی در سطح کلان برای ما داشت که البته بیشتر ناظر به سیاست خارجی دولت یازدهم است. ما تا امروز به چهار دستاورد مهم رسیدیم: اول بی‌اعتمادی به آمریکا و غرب را که سال‌ها شعارش را می‌دادیم و بخشی از مردم این شعار را قبول نداشتند، طی این دو سال به معنای واقعی برای مردم ثابت شده است. به عنوان مثال توافق ژنو بسته می‌شود، هنوز ده دقیقه از رسمی شدن توافق نگذشته که قرائتی کاملاً متضاد از سوی آمریکا ارائه می‌شود یا همین طور درباره بیانیه لوزان. ما این بی‌اعتمادی به غرب را در سالهای آینده نیاز خواهیم داشت.

دوم اینکه ما توانستیم سه شکاف در فضای سیاسی بین الملل ایجاد کنیم اول بین بخشی از دولت اسرائیل و دولت آمریکا برای اولین بار شاهد بودیم که تنانیهو به آمریکا می‌رود و با هیچ یک از مقامات دولت آمریکا دیدار نمی‌کند و در انزوای کامل بر می‌گردد. دوم ما توانستیم بین اروپا و آمریکا شکاف ایجاد کنیم. مثال روز این قضیه هم مصاحبه سخنگوی خاتم موگرینی مسئول سیاست خارجه اروپا بود که در برابر فکت شیت ارائه شده توسط آمریکا پیرامون بیانیه لوزان گفت: تنها قرائت معتبر از نشست لوزان، بیانیه‌ای است که خانم موگرینی و آقای ظریف مشترکاً خواندند. این گفته تودهنی بزرگی به آمریکا بود. ما در تاریخ نداشتیم اروپا اینگونه در برابر آمریکا بایستد و شکاف سوم که توانستیم ایجاد کنیم بین اروپای اول و اروپای دوم است، یعنی بین اروپای تروپیکا، آلمان، انگلیس و فرانسه، سه کشور قدرتمند اروپایی با ۲۶ کشور دیگر اتحادیه اروپا که این امر برای ما خیلی ارزشمند است. فردا اگر بخواهد تحریمی علیه ایران تصویب شود بخش زیادی از این ۲۶ کشور به تحریم رای مثبت نخواهند داد و به همین خاطر است که آقای اوباما در مصاحبه با ان. پی. آر گفتند ما به دنبال این هستیم که تحریم‌های جدید زیر نظر آژانس انرژی اتمی برود یعنی با اطلاع آژانس تحریم‌های جدید تصویب شود. این امر به این دلیل است که آمریکا دیگر در این شورای امنیت نمی‌تواند از روسیه و چین قطعنامه علیه ایران بگیرد. دیگر قطعنامه گرفتن علیه ایران از کشوری نظیر ایتالیا که کاملاً از آلمان، انگلیس و فرانسه منفک شده، ساده نیست. این سه شکاف دستاورد مهمی بود که با هوشمندی رهبری به دست آمد.

آقای صابریان گفتند دستاورد ما در این مذاکرات این بود که دیالوگی بین ما و طرف غربی برقرار شد. من در پاسخ به ایشان سوال می‌کنم چه

البته اعتراض تشکل‌های دانشجویی نظیر جنبش عدالتخواهان به نهادهایی نظیر سپاه و ارگان‌های



یک توافق در حقوق بین الملل زمانی رسمیت می‌یابد که ابتدا توسط دولت یک کشور امضا شود و سپس در مجلس قانونگذاری همان کشور تأیید شود. با توجه به اینکه بیانیه سوئیس توسط هیچ دولت و مجلسی امضا و تأیید نشده است، صرفاً چارچوبی است بیانگر آن‌که، وقتی از چند روز دیگر طرف‌های مذاکره پای میز مذاکره برگشتند تکلیفشان مشخص باشد که می‌خواهند بر سر چه چیزی با هم مذاکره کنند. بیانیه سوئیس برای این است که پس از شروع مجدد مذاکرات، بر سر بندهای همین بیانیه مذاکره شود که البته کار بسیار سختی است و ممکن است اصلاً توافقی حاصل نشود ولی اگر به توافق رسیدیم و طرفین امضا کردند، آنجا دیگر توافقی الزام آور داریم. اگر هم به توافق نرسیم چیزی را از دست نداده‌ایم، باز هم ما به دنبال گرفتن وقت هستیم تا به جا به جا کردن برخی از پول‌ها و منابعمان برداریم که هم‌اکنون نیز در حال انجام دانش هستیم. ما تا الان مقادیری از پول‌هایمان آزاد شده است. موارد دارویی مورد نیاز خودمان را وارد کردیم و هم اکنون در حال تیک‌آف هستیم، چه طرف به معاهده بایند باشد، چه نباشد.



سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که ما اورانیوم با غنای ۲۰ درصد می‌خواهیم چه کار کنیم؟ هم اکنون ۹۷۰۰ کیلو اورانیوم با غنای ۵ درصد داریم که به دردمان نمی‌خورد. اورانیوم کیک و کلوچه نیست که بخواهیم بین مردم توزیع کنیم.



تحلیل سیاسی من از این قرار است که بیانیه سوئیس یک معاهده الزام‌آور نیست ولی ما تعهد کردیم که اگر می‌خواهیم توافقی ببندیم از ۳۶۷ درصد غنی‌سازی و ۵۰۰۰ سانتریفیوژ فراتر نرویم. ۱۲ تعهد داده‌ایم و طرف مقابل هم تعهد کرده‌است که تحریم‌ها را بردارد که البته هنوز سازوکار رفع تحریم‌ها مشخص نیست. لذا تعهدات طرف مقابل تفسیرپذیر، کلی و کم است ولی ۱۲ تعهد ما مشخص، صریح و با ضمانت اجرای قوی است که این مسئله نقطه ضعف بیانیه لوزان است لذا اگر مذاکرات لوزان بدون بیانیه مطبوعاتی به پایان می‌رسید یک پیروزی بزرگ برای ما بود ولی بیانیه کار را خراب کرد. به نظر من بیانیه باجی بود که شخص آقای روحانی به زیاده‌خواهی کنگره آمریکا داد و نظر شخصی آقای ظریف این نبود. ما قرار بود که یک مرحله‌ای توافق کنیم هر چند اکنون نیز دو مرحله نشده ولی بالاخره تعهداتی را پذیرفته ایم.



به هر حال توافق لوزان نقاط قوتی در سطح کلان برای ما داشت که البته بیشتر ناظر به سیاست خارجی دولت یازدهم است. ما تا امروز به چهار دستاورد مهم رسیدیم: اول بی‌اعتمادی به آمریکا و غرب را که سال‌ها شعارش را می‌دادیم و بخشی از مردم این شعار را قبول نداشتند، طی این دو سال به معنای واقعی برای مردم ثابت شده است. به عنوان مثال توافق ژنو بسته می‌شود، هنوز ده دقیقه از رسمی شدن توافق نگذشته که قرائتی کاملاً متضاد از سوی آمریکا ارائه می‌شود یا همین طور درباره بیانیه لوزان. ما این بی‌اعتمادی به غرب را در سالهای آینده نیاز خواهیم داشت.



آقای صابریان گفتند دستاورد ما در این مذاکرات این بود که دیالوگی بین ما و طرف غربی برقرار شد. من در پاسخ به ایشان سوال می‌کنم چه



## انجمن اسلامی دانشجویان نواندیش دانشگاه فردوسی مشهد موفق به کسب مجوز فعالیت شد

رضا امیرزاده در گفتگو با خبرنگار «خبرگزاری دانشجویان» در مشهد، از کسب مجوز این انجمن پس از طی ماهها تلاش خبر داد و گفت: از خرداد ماه سال ۹۳ درخواست تشکیل این انجمن را به دانشگاه تحویل و در تابستان همان سال جلساتی را با اعضای هیات موسس شکل و هیات نظارت دانشگاه تشکیل دادیم که در نهایت منجر به تأیید صلاحیت شد. وی با بیان این موضوع که از تابستان ۹۳ نگاهش بر اساسنامه را در دستور کار خود قرار دادیم، افزود: اواخر مهرماه اساسنامه را به دانشگاه تحویل دادیم که در این اساسنامه طی دو تا سه مرحله تغییرات کوچکی داده شد. این فعال دانشجویی ادامه داد: علی‌رغم تأیید اساسنامه، به دلیل فشارهایی که بنا به یک سری مسائل وجود داشت چند ماهی صدور مجوز شکل به تأخیر افتاد. امیرزاده با اشاره به این که سعی ما و هیات نظارت این بود که بتوانیم این مشکلات را به درستی حل کنیم. این عضو انجمن اسلامی دانشجویان نواندیش دانشگاه فردوسی مشهد افزود: با این که زمان زیادی جهت کسب مجوز صرف شد و از هیات نظارت در این رابطه بیش از این انتظار داشتیم؛ اما نمی‌توان تلاش‌های آنان را نادیده گرفت. امیرزاده تصریح کرد: همچنین با توجه به این که پیش از سال نو یک سری حواشی در دانشگاه به وجود آمده بود و هیات نظارت درصدد نبود این حواشی افزایش یابد صدور مجوز به ابتدای سال جدید موکول شد. وی ضمن اشاره به این که ۲۳ فروردین ماه تأیید و ۲۴ فروردین ماه جاری مجوز به ما ابلاغ شد، بیان داشت: حدود دو ماه به ما فرصت داده شده تا عضوگیری کنیم به همین دلیل این شکل تا انتهای ترم جاری در دانشکده‌های مهم و بزرگ دانشگاه و در ابتدای ترم آینده در مابقی دانشکده‌ها عضوگیری انجام خواهد داد.



## چرا سیستم‌های اصل موضوعه مهم‌اند؟

محمدرضا بهادریان  
(کارشناسی فیزیک ۹۰)

از آغاز، هرگاه انسان دانشی کسب کرده است سعی کرده تا آنرا در سیستمی جامع به شکل منظم درآورد؛ تا هم انتقال آن راحت تر شود هم استفاده از آن. از حدود سه قرن قبل از میلاد، که دانش‌ها و استدلال‌های استنتاجی شکلی منسجم به خود گرفته است؛ صاحبان اندیشه دریافته‌اند که هیچ‌گاه نمی‌توانند همه گزاره‌های یک نظریه را اثبات کنند بدون آنکه یکسری گزاره را به صورت پیشفرض درست در نظر بگیرند. برای اولین بار ارسطیدس (دانشمند یونانی) در نوشته‌های خود به وازه اصل موضوع (axiom) اشاره کرده است. بعد از او اقلیدس بنیانگذار هندسه کلاسیک، در کتاب معروف خود بنام «اصول هندسه اقلیدس» برای اولین بار سیستمی را ارائه داد که امروز آنرا بنام سیستم اصل موضوعه (axiomatic system) می‌شناسیم. در این سیستم ما یکسری گزاره را که لایق درست شمرده شدن هستند صحیح فرض کرده و بر اساس آن بقیه گزاره‌ها را استنتاج می‌کنیم. می‌توان گفت که این اصول موضوعه اصلی‌ترین فاکتورهای نظریه (سیستم) هستند، چرا که تغییر یکی از آنها باعث دگرگونی کامل نظریه می‌شود. برای مثال هندسه اقلیدسی که بر اساس ۵ اصل موضوع بنا شده است؛ با تغییر اصل پنجم (از هر نقطه خارج یک خط تنها یک خط موازی با آن رسم می‌شود) به هندسه های نا اقلیدسی می‌رسیم که موضوع بحث و کاربردشان اساسا متفاوت است.

بعد از اقلیدس هر نظریه علمی که پیشرفت کرد و تعداد گزاره های قابل استنتاج آن زیاد شد در قالب سیستم اصل موضوعه نشسته. در قرن بیستم توماس کوهن فیلسوف علم و صاحب کتاب ارزشمند «ساختار انقلاب‌های علمی» مسأله‌ای را مطرح کرد که طبق آن نه تنها نظریات علمی دارای اصول موضوعه اند و بدون آن اصول معنایی ندارند که حتی هر گفتار یا گزاره ای که انسان بر زبان می‌آورد در پارادایم

خود او معنا دارد که شامل چندین سیستم اصل موضوع است و اگر بخواهیم هر حرف یا گزاره ای را مورد بررسی قرار دهیم، باید به مطالعه پارادایم و اصول موضوعه نظریات آن هم بپردازیم. توجه به این نکته و موفقیت های سیستم‌های اصل موضوعه سبب شد که در دو دهه اخیر، اندیشمندان علوم انسانی هم سعی در پیاده کردن دانش خود در سیستم‌های اصل موضوعه داشته باشند. گویی در زمان حال برای هر فرد شناخت سیستم‌های اصل موضوعی و مبانی آن از ملزومات دریافت صحیح دانش دیگران و ارائه دقیق اندیشه‌ها به دیگران است.

نکته مهم دیگری که باید در نظر گرفت این است که وقتی یک سیستم اصل موضوعه خودسازگار (سیستمی عاری از هرگونه تناقض بین گزاره هایش) ساخته شد، به این معنی نیست که سیستم خود حقیقت است و سیستم دیگری در این حوزه صحیح نیست؛ گاهی تعدادی سیستم اصل موضوعه در یک حوزه (محدوده) خاص می‌توان یافت که چند اصل مشترک دارند و در یک یا دو اصل با هم متفاوتند؛ نتیجه هایشان کاملاً متفاوت است؛ اما نمی‌توان گفت که کدام یک منطبق بر واقعیت است و کدام یک نیست. بهترین مثال این موضوع دوباره همان هندسه های اقلیدسی و مینکوفسکی (یکی از انواع نا اقلیدسی) هستند؛ که همانطور که قبلاً اشاره شد با هم تفاوت اساسی دارند. نسبیت خاص انیشتین بر اساس هندسه مینکوفسکی نوشته شده است و مکانیک نیوتونی بر اساس هندسه اقلیدسی؛ گاهی چنان گمان می‌شود که چون نسبیت خاص حالت کاملتری از مکانیک است (پیش بینی های دقیقتری دارد) پس هندسه مینکوفسکی بر طبیعت منطبقتر است. اما نکته‌ای که کمتر به آن توجه می‌شود این است که نسبیت را با هندسه اقلیدسی هم میتوان نوشت؛ فقط محاسباتش کمی بیشتر و پیچیده‌تر خواهد شد. واضح است توجه به این نکته و قابلیت تعمیم آن به تمام حوزه های دانش بشری سبب می‌شود از اصطکاک بین افراد برای اثبات گزاره های خود به عنوان تنها گزاره درست کاسته شود.

## در روزهای آینده با سازمان دانشجویان

# ۳۷ سال بعد

نشست نقد و بررسی بیانیه لوزان

با حضور

دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

کامران غضنفری

نویسنده کتاب «راز قطعنامه»، تحلیلگر مسائل سیاسی



چهارشنبه ۲ اردیبهشت ۹۴، ساعت ۱۳  
آمفی تئاتر دانشکده مهندسی



## خوشا به حالت ای روستایی...

مهین ساعدی  
(کارشناسی پژوهشگری علوم اجتماعی ۹۱)

از همان ابتدای جاده خاکی، وارد روستای شوی نگاه که می‌کنی، در گستره نگاهت تمام روستا رنگ گرم و زمخت خاک به خود گرفته ... تک و توک نهال های تازه کاشته شده را کنار خیابان بندی تازه که بصورت خاکی انجام شده می‌بینی. یا سرسبزی اندکی که به هوای بهار گوشه و کنار روستا خودنمایی می‌کند.

از کوچه های کناری روستا که عبور کنی و به مرکز روستا؛ مسجد همان جا که محل برگزاری کلاس های آموزشی است نزدیک می‌شوی؛ مرغ و خروس هایی را میبینی که آزاد و مشغول قدم زدن در سطح روستا. نزدیک عصر که می‌شود بچه های روستا که از تحصیل بازمانده اند را میتوان دید که گوسفندان را به سمت آغل های کاه گلی هدایت می‌کنند. گوشه و کنار روستا، قشر همیشه کوشا با همان لباس های

محلی زیبا را می‌بینی که در آستانه بهار مشغول خانه تکانی عیدانه اند و روی هر بوم فرش های شسته شده به چشم میخورد، از آنطرف عده ای هم مشغول تهیه کنک و بلغور شیر که محصول دامداری این منطقه است؛ می‌باشند.

هوا کمی سرد است؛ با اینکه روستاست اما صدای پارس سگی شنیده نمی‌شود مشخص است روستاییان

غریبه های بسیاری را دیده و پذیرفته اند. آنچه بسیار خودنمایی می‌کند ماشین های سنگینی است که در کوچه پس کوچه های روستا پارک شده و نشان دهنده این است مردم روستا جدای از دامداری و اندک کشاورزی به شغل های آزادی چون رانندگی نیز روی آورده اند و تنها دو روز آخر هفته را در روستا سپری می‌کنند و بقیه ایام در شهر ها مشغول فعالیت اند.

روستای خرم آباد و جبار که هردو از روستاهای محروم شهرستان قاین از استان خراسان جنوبی هستند با عدم امکاناتی چون گاز، آب شیرین، آسفالته، وسایل حمل و نقل عمومی و نداشتن خانه بهداشت و... دست و پنجه نرم می‌کنند.

آنچه مسلم است محرومیت شدیدی است که پشت طبیعت خشک و زمخت کویری روستا نهفته است که البته در مهمان نوازی و صمیمیت مردم و اینکه همیشه لبخند به لب داشته باشند و امیدشان به زندگی اندکی کم نشود تأثیری نداشته است.



با اینکه اغلب خانه ها به همت موسسه خیریه امام علی (ع) شهر ری بازسازی شده و دارای امکانات یک زندگی شهری شده بود اما باز هم هر چند خانوار طبق عادت گذشته در جوار یکدیگر زندگی می‌کردند.

پای صحبت هایشان که بنشین، تازه متوجه می‌شوی پشت آن نگاه مهربان و لبخندهای بی‌وقفه که از لب های کوچک و بزرگ شان دور نمی‌شود، یک دنیا اندوه و آرزوهای دور پنهان است.

از سختی های زندگی و طوفان های گاه و بی‌گاه شن در این روستای خشک می‌گویند، از اینکه کشاورزی در این خاک شور هیچ رشدی ندارد، از طرفی دامداری هم رونق چندانی ندارد چرا که جدای از طاقت فرسا بودن کار، باید برای تغذیه دام ها، آن ها را تا مسیر دوری لا به لای کوه و کمر بچرانند که با توجه به مهاجرت جوانان روستایی این وظیفه تا حدی به عهده زنان روستا گذاشته شده است.

توسعه نیافتگی روستا رابطه مستقیمی با تحصیلات مردم دارد، بطوریکه اغلب دختران و پسران، تنها دوران ابتدایی گذرانده و تعداد اندکی از آنها مشقت دوری برای تحصیل را کشیده اند.

از طرفی پزشک و خانه بهداشت ندارند و برای معاینه باید دو هفته صبر کنند تا پزشک روستای مجاور بیاید و در صورت پیدا کردن وسیله به آنجا بروند، البته آن هم در صورتی که برخی اهالی روستای کناری به اینان اطلاع دهند.

در این میان، اردوهای جهادی مهرباران که توسط سازمان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی با همکاری موسسه خیریه امام علی (ع) شهر ری انجام می‌شود، با حضور در این روستاها از تاریخ ۲۳ اسفند ۹۳ تا ۱۲ فروردین ۹۴ سعی داشته با برگزاری کلاس های بهداشتی، دینی (قرآن و احکام)؛ هنری (نقاشی، کاردستی، موتیف بافی، چرم دوزی، رویان دوزی و جعبه سازی) علاوه بر ایجاد حس خود باوری در میان روستاییان، راه هایی برای درآمد زایی در مشاغل خانگی را به اهالی نشان دهد.

با این همه روستایی که باشی صمیمی تر و قانع تری و از زندگی لذت بیشتری میبری، روستایی که باشی از آفتاب تند هراسی نداری و مشتاق به تماشای قایم موشک آفتاب و زمین می‌نشینی، صمیمی و گرم تر می‌شوی و یاد می‌گیری دل بزرگ تری داشته باشی... روستایی که باشی زندگی خواهی کرد!

## 4th Iranian Students Debate Championship

# چهارمین دوره مسابقات مناظره دانشجویان ایران

نشان خواجه نصیرالدین طوسی

- ✓ کنترل روابط عاطفی بین دانشجویان دختر و پسر مصداق تعرض به حریم شخصی آنهاست.
- ✓ قانون فعلی خدمت وظیفه سربازی موجب افزایش توان نظامی کشور می‌شود و در نتیجه مفید است.
- ✓ ماهواره عامل گسترش فساد و فحشا است.
- ✓ اجزای مجازات‌هایی از قبیل اعدام و شلاق در ملا عام باعث کاهش آمار جرم و جنایت می‌شود.
- ✓ مسئولین و مدیران دانشگاه ها هرگز نباید در مسئله پوشش دانشجویان مداخله نمایند.
- ✓ راه ندانن بانوان به ورزشگاه ها نشانه تبعیض جنسیتی است.
- ✓ سقط جنین، امری شخصی و در حوزه اختیارات مادر است.
- ✓ مذاکره مستقیم با آمریکا لازمه تامین منافع ملی کشور است.
- ✓ فیلترینگ شبکه های اجتماعی نشان دهنده ضعف حاکمیت در مدیریت بحران های داخلی است.
- ✓ قانون اساسی فعلی نیازمند بازنگری جدی است.
- ✓ یک جانبه نگری ویژگی بارز رسانه ملی در سالهای اخیر است.
- ✓ ارتباط و پیوستگی روحانیت با سیاست، باعث کناره گیری مردم از دین و روحانیت می‌شود.



صاحب امتیاز: سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی  
مدیر مسئول: مهدی کاظمی (زیر نظر شورای سردبیری)  
دبیر تحریریه: حسین محمد دوست  
همکاران این شماره: رضا قلندر آبادی، فرهاد فرهادیان، محمدرضا بهادران، سینا سهیلی فر، غزل عرفانی، مهدیه یآوری، پریسا فتاحی، مهین ساعدی  
طراح و صفحه آر: امید آرما  
سامانه پیامکی: ۳۰۰۷۶۵۰۰۵۷۴۳  
وبسایت: www.SDJD.ir  
ایمیل: vaghaye.mag@gmail.com  
فیسبوک: Vaghaye-mag



شما دانشجویان عزیز می توانید جملات طنز خود را درباره تصویر روبه رو به سامانه ۳۰۰۷۶۵۰۰۵۷۴۳ ارسال نمایید.

## کافه تریا

نیمه دوم فروردین ۹۳

### در حوالی فیس بوک این همه ذوق و شادمانی یهویی، دوست داشتنی بود

مهدیه یآوری  
(کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی ۹۳)

این روزها، دلمان که به شور می افتد و در آن هیاهویی بر پا می شود، نه نشانی از مشکلات دستگاه هاضمه است و نه از عوارض غلیانان عاطفی!!! شاید الکی الکی سال دارد تمام می شود و سالی جدید در راه است. امید سالی که در آن پر باشد از روزهای روشن و دلگرم کننده. استقبال از سالی که می خواهیم مبارک باشد، چنان جنب و جوشی به راه انداخته که مجال گشت و گذار مجازی به مانمی دهد. دنیای واقع را گز می کنیم. واقعی واقعی نفس می کشیم و جدی جدی از این همه هوا سرمست می شویم... در گیر و دار اکسیژن گیری و ذخیره سازی اش برای آینده! باز خبرهایی به گوشمان می رسد، باز ظریفان حماسه ساز شد. سیزده فروردین، وقتی همه رفته بودیم دینمان را به طبیعت ادا کنیم، دیپلماتان حساسی از خجالتان در آمد... گفتیم از زبان خودش بشنویم و خوشحالیمان تکمیل شود، روی رایانه مان چنبره زدیم، ورد جادویی را خواندیم و وارد دنیای مجازی شدیم. آنجا که انگار سال دوباره تحویل شده بود، انگار تولد بود!!! سر زدیم به صفحه آقای ظریف عزیز، از بازگشتش به تهران خبر داده بود و تقاضا کرده بود که دوستان همیشه همراه رسانه به خبر سازیها توجه نکنند، ۵۶۷۰ لایک خورده بود با مقادیر متناهی کامنت!

### باشگاه مخاطبان

جملات منتخب شماره چهارم و پنجم نشریه:

زمانی که تصور می کنی اندوه دنیا را فرا گرفته و برای ندیدن چهره پریشان دیگران به دیوار رو می کنی، می بینی که در درون خستگات چیزی هست که هنوز هم صادقانه به تو لبخند می زند.

[۰۹۱۵۵۵۳۳۸۱]

کودک امروز در اندیشه فردهای بزرگ.

[۰۹۳۰۵۵۴۷۳۹]

### نظرات مخاطبان:

توجه: نظرات مخاطبان بدون دخل و تصرف نقل می شود.

باسلام به نشریه وقایع اتفاقیه، به نظر من اگر از مرغوبیت جنس کاغذ کاسته شود و در عوض خطوط کمی درشت تر شوند بهتر است.

[۰۹۱۵۵۵۳۳۸۱]

سلام، در سر مقاله مخالفان مذاکرات هسته ای رژیم صهیونیستی و تندروهای افراطی در ایران ذکر شده اند. آن تندروها نگران پایمال شدن عزت اسلام و انقلاب هستند چرا با تعطیل شدن برنامه هسته ای دشمن هر روز تحریم ها را بیشتر می کند؟ آیا لازم نیست عده ای دلواپس بشوند؟

[۰۹۳۸۵۵۷۱۷۵]

سلام مرسی از نشریه فوق العادهتون. خواستم پیشنهاد بدم با توجه به برگزاری ۳ تئاتر خوب دانشجویی در ترم جدید، قسمتی رو برای نقد هنری این آثار در شماره بعد اختصاص بدین.

[۰۹۳۷۵۵۳۳۴۳]

سلام. کاش به بسیج مهندسی در همان وقت می آمدید و علت خواستار لغو موسیقی را بر سر در دفترش می دیدید.

[۰۹۰۱۵۵۳۳۳۵]

نمردیم و یک نشریه حامی دولت در دانشگاه دیدیم

[۰۹۱۵۵۵۱۱۷۲]

همه مطالبتون عالی بود، مخصوصا عکس دکتر احمدی نژاد عزیز، مادلنتگشیم

[۰۹۱۵۵۵۰۱۵۱]

کاش در مطلب ۴ خود بیشتر دقت میکردید و تاریخ را تکه تکه برای خورد کردن شخصیت امام نمی آوردید. کاش در متن ۲ هم متن سخنرانی را گلچین سیاسی نکرده بودید. علت فکر زدن انقلاب بودن شما همین بی توجهی هایتان است.

[۰۹۰۱۵۵۳۳۳۵]

سلام مطلبی که آقای کاظمی درباره روشنفکرانمایی نوشتند فوق العاده است تشکر

[۰۹۳۸۵۵۴۵۴۹]



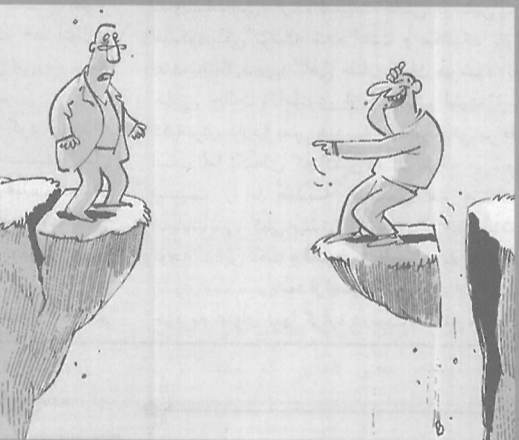
سامانه ۳۰۰۷۶۵۰۰۵۷۴۳  
ارتباطی ما با شما مخاطبان گرامی است.  
دستورت تمایل به همکاری با نشریه می توانید کلمه «همکاری» را به سامانه ارسال کنید.

۱۴۰ هزار فالور دارد.

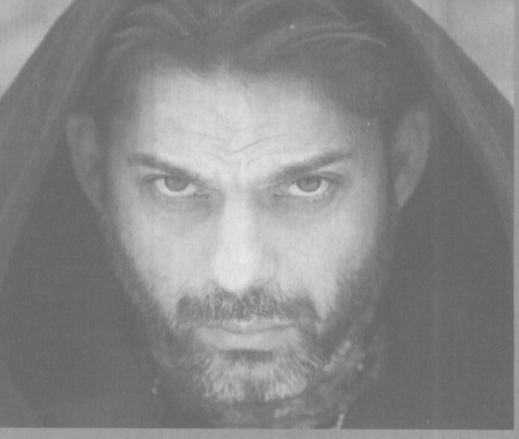
### در حوالی اینستاگرام



حسن روحانی با ۱۸۰ هزار فالور از معدود سیاستمداران پر طرفدار ایرانی در اینستاگرام است. تصویری از حاشیه سفر رئیس جمهور به بندر انزلی



کاریکاتور بالا را بزرگمهر حسین پور، طنزپرداز خوش ذوق حوزه مطبوعات در بیخ خود منتشر کرده است. حسین پور در اینستاگرام حدود ۸۰ هزار فالور دارد.



پیمان معادی از معدود بازیگران موفق سینمای ایران در عرصه جهانی، تصویری از کاراکتر خود در فیلم «آخرین شوالیه ها» منتشر کرده است. معادی در این فیلم همبازی مورگان فریمن است. هواداران معادی در اینستاگرام حدود ۱۷۰ هزار نفر هستند.



«بایتخت» در چین کلید خورد! محسن تنابنده با انتشار این عکس در بیخ خود هواداران خود را غافلگیر کرد. وی در اینستاگرام ۱۴۰ هزار فالور دارد.

«تقدیم به محمدجواد ظریف عزیز: نامت ابدی و ازلی خواهد شد، گویند نمی شود، ولی خواهد شد، ملی شده نفت با مصدق، اما لبخند تو بین المللی خواهد شد! با تیریک بسیار به ملت قهرمان ایران» یا «لبخند ظریف تو به ما خوب نشان داد، آینده پر از خنده شود... خسته نباشی» جالب بود! این همه ذوق و شادمانی یهویی دوست داشتنی بود... بالاخره وقتش بود به جای خجالت و شرمندگی از سیاسیون مان، حسن غرور و پیروزی را هم تجربه کنیم... فضای شادمان دنیای مجازی تا روزها کاملا محسوس بود و در آن میان نشد که خبر مراسم یابود مرحوم سکیته ضیایی را نادیده بگیریم. مراسمی که در آن صدها چهره سیاسی، فرهنگی و هنری حضور داشتند برای تسلیت به آقای ممنوع التصویر! حسین فریدون، اسحاق جهانگیری، علی شمخانی، شهیندخت مولاوردی، معصومه ابتکار، علی ربیعی، علی جنئی، محمود حجتی، محمدرضا نعمت زاده، عباس آخوندی، محمد نهاوندیان، مجید انصاری، محمد فرهادی، اسدالله عسکراولادی، اسدالله بادامچیان، حبیب الله پیمان، محسن هاشمی و خیلی های دیگر... غم جانگناه عزیزش در روزهای آغازین سال جدید غمگینمان کرد.

از این ها که بگذریم، امسال شادی مردم از جنس سال های گذشته نبود، شور و شوق دوستان چیزی فراتر از اشتراک دیالوگ ها و طنزهای ایرج پهماسب بود. از تمامی سازهای مخالف و نقل قولهای غرض ورزانه که فاکتور بگیریم، امید به داشتن امنیت، امید دست یابی به آرامش نسبی بر ایمان کلی دویینگ امید به زندگی بود، با آرزوی این که سالی برسد که نامش و هدفش «شادی و رضایت مردم» باشد...

### داستانک

### یک پیراهن سفید یقه دیپلمات

غزل عرفانی  
(کارشناسی پژوهشگری اجتماعی ۹۱)

آقای «غلیظ» چند سالی می شد که در کارخانه اتومبیل سازی کار می کرد. دلش لک زده بود برای اندکی فراغت در طبیعت و جاق کردن قلیان. خانمش «مهدعلیا» از بیماری رنج می برد و چند سالی می شد که دیگر نمی خندید. در واقع هیچ واکنش هیجانی از خود نشان نمی داد. گه گاه می گفت سر دلش درد می کند یا به قول خودش جلز و ولز می کند. حقوق آقای غلیظ و سایر کارگران چند ماهی عقب افتاده بود، با این حال او با اندکی پول قرضی توانست همسرش را پیش دکتر ببرد. - دکتر: سلام اجانم، بفرمایید. - آقای غلیظ: خانم می گوید سر دلش جلز و ولز می کند. دکتر پس از انجام معایناتی به این نتیجه رسید که از معده مهدعلیا عکس برداری کند. پس از چند روز، نتیجه را به آقای غلیظ اعلام می کند: نمی دانم چطور بگویم، تا به حال با چنین بیماری مواجه نشده بودم. - هر طور که صلاح می دانید بگویید! یعنی بیماری خیلی بدی است؟

- راستش چطور بگویم... معده خانم شما اورانیوم غنی شده تولید می کند! - چی؟! همانی که در تلویزیون صبح تا شب درباره اش صحبت می کنند؟ - بله! تا به حال متوجه درخشش نور عجیبی از جانب ایشان نشده اید؟ - نور؟ چه نوری؟ آقای غلیظ ناگهان به یاد حرف پدرزنش در سالها پیش افتاد: «مهدعلیا برای ما انعکاس آفتاب بود» او همیشه در تلاش بود تا معنی این جمله را بفهمد اما هیچ وقت نتوانسته بود. حالا کم کم داشت دستگیرش می شد. آقای غلیظ دوباره پرسید: خب یعنی چه از اناخرا؟ به نظر شما شبیه یک معجزه نیست؟ بی آنکه منتظر پاسخ دکتر شود با عجله از جا برخاست و بیرون رفت. در راه داشت فکر می کرد چگونه می تواند شکر خدا را به جا آورد. می توانست اورانیوم ها را بفروشد و با پولش خود را از این وضعیت فلاکت بار نجات دهد. خود را در رویاهایش غوطه ور کرد... «کار خدا را می بینی؟ یک خانه... یک ویلا... یک ماشین از همانهایی که از بقیه قدبلندتر است! یک کت و شلوار هم می خرم. راستی از همه اینها مهمتر، یک پیراهن سفید یقه دیپلمات...»

سرش را رو به آسمان کرد و خدا را زیر لب شکر کرد. اما چطور باید اورانیوم را می فروخت؟! تصمیم گرفت راهش را دور کند تا بیشتر راه برود و بیشتر فکر کند. سیگارش در جیبش شکسته بود. کمی ناراحت شد. در راه چشمش به دکان بزرگ و مجللی افتاد. سردرش تابلوی بزرگی زده بودند: «صرافی میرزای نازک دل» دکان سه نیش بود. روی درب مغازه کاغذی چسبانده بودند. جلوتر رفت تا نوشته روی کاغذ را بخواند: «از خرید اورانیوم ۲۰ درصد غنی شده جدا معذوریم». چون چیزی از آن نفهمید تصمیم گرفت وارد دکان شود. دکان دو طبقه بود. طبقه اول مملو از قفسه های خاک گرفته بود که در دو قفسه اش چند اسکانس دلار، چند ورق قرص و یک پروانه خراب که شبیه پروانه هواپیما بود، دیده می شد. آقای غلیظ چرخش زد و از پله بالا رفت. پیرمردی ریزنقش را دید که چند تار مو بیشتر روی سرش باقی نمانده بود. در مقابل، دستگاه عظمه نشسته بود و نا دمک هاش